

# بررسی ارزش‌های مادی و فرامادی جوانان تحصیلکرده ایرانی، عوامل مؤثر بر آن و رابطه آن با برخی از نشانگان فرهنگی<sup>۱</sup>

مجید خالقی فر\*

## چکیده

ارزش‌ها از بنیادی‌ترین عوامل جهت‌دهنده رفتارهای انسانی در هر جامعه به‌شمار می‌آیند. ارزش‌ها در برابر فرهنگ جامعه و رفتارهای انسان‌ها نقش دوگانه‌ای ایفا می‌کنند؛ از جهتی آن‌ها به‌مثابه نیروی ساختاردهنده رفتارهای بشری و از جهت دیگر، الگوی ساختاربندی‌شده توسط فرهنگ غالب جامعه به‌شمار می‌آیند.

نوشتار حاضر می‌کوشد تا به بررسی ارزش‌های مادی و فرامادی دانشجویان دانشگاه‌های تهران و رابطه آن با برخی از نشانگان فرهنگی که در سایر جوامع نیز توسط اینگلهارت سنجیده شده است، بپردازد. نشانگانی از قبیل: امنیت اجتماعی (امنیت شغلی، سازنده، وجودی)، اعتماد اجتماعی (اعتماد بین شخصی، اعتماد به دولت، اعتماد به ارگان‌ها و نهادهای دولتی، اعتماد به اقل‌مذہبی و اعتماد به نهادهای مذہبی)، میزان احساس خوشبختی، میزان احساس سعادت ذهنی، میزان رضایت اجتماعی (رضایت از افراد جامعه، از دولت، مسئولان، خانواده، وضعیت مالی)، میزان وابستگی مذہبی، میزان بردباری و انگیزه پیشرفت، قوم‌مركزی، ارزش‌های خودابزاری | بقا و ارزش‌های سستی | عقلانی - سکولار.

برای تبیین رابطه منطقی بین نشانگان فرهنگی و ارزش‌های مادی و فرامادی در بررسی

مقایسه‌ای بین جوامع جهان از تئوری‌های مختلفی استفاده شده است از جمله: تئوری مدرنیسم، تئوری همگرایی، تئوری واگرایی، تئوری نیازهای مازلو و تئوری ارزش‌های مادی و فرامادی اینگلهارت. داده‌های این پژوهش از تعداد ۴۴۳ دانشجوی کارشناسی و کارشناسی‌ارشد دانشجویان دانشگاه‌های تهران که نمونه آماری پژوهش را تشکیل می‌دهند، گردآوری شده است. نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد میزان اعتماد بین شخصی، احساس رضایت اجتماعی، اعتماد به مسئولان و نهادهای سلسله مراتبی و مذهبی، میزان امنیت وجودی، میزان امنیت اجتماعی و میزان وابستگی مذهبی در میان پاسخگویان بسیار پایین است. همچنین پاسخگویان به ارزش‌های بقا و ارزش‌های سستی ارجحیت می‌دادند و دارای ارزش‌های مادی‌گرایانه و قوم‌مرکز بودند. مهم‌ترین فرضیه تحقیق یعنی رابطه امنیت اجتماعی و ارزش‌های مادی و فرامادی، دارای رابطه معنادار و نشان‌دهنده این بود که با کاهش میزان امنیت اجتماعی، ارزش‌های افراد از فرامادی‌گرایی به مادی‌گرایی سوق می‌یابد. براساس مدل تحقیق، ۷۳ درصد از تغییرات ارزش‌های مادی و فرامادی توسط متغیرهای موجود در مدل تبیین می‌شود. داده‌های مقایسه‌ای نشان می‌دهد که جوانان تحصیلکرده کشور ما بیشتر با مردم سه کشور مجارستان، آرژانتین و آفریقای جنوبی هم‌نوا و همسو بودند و با دیگر کشورهای صنعتی و پیشرفته نشانگانی متضاد و در جهت مخالف داشتند. این سه کشور جزو کشورهای توسعه‌یافته با میزان رشد اقتصادی پایین بودند. نتایج به دست آمده حاکی از این است که جامعه آماری ما با این سه کشور همگراست و با کشورهای توسعه‌یافته واگراست.

### ۱- طرح مسئله

ارزش‌ها نیرومندترین عنصر تعیین‌کننده در نظام اجتماعی و فرهنگی جوامع به‌شمار می‌روند که خط سیرک‌کش و اعمال افراد را در جامعه نمایندگی، هدایت، کنترل و نظارت می‌کنند و همچنین به مثابه الگوی رفتاری نسبتاً ثابتی هستند که پیوسته از سوی افراد جامعه بازبینی و کنترل و نظارت می‌شوند.

ارزش‌ها جزو اصلی سازنده فرهنگ به‌شمار می‌روند که ثبات یا تغییر آن‌ها موجب ثبات یا

تغییر فرهنگ‌ها در جوامع در طول زمان و مکان می‌شوند و به طبع آن، ثبات یا دگرگونی جوامع را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

از این رو، پی‌بردن به نظام ارزشی جامعه، ما را با عناصر فرهنگی آن جامعه که سوق‌دهنده کنش و رفتار افراد است آشنا می‌کند. نظام شخصیتی هر جامعه در بطن نظام ارزشی آن جامعه نهفته است و با کسب آگاهی و بینش درباره این نظام ارزشی می‌توان به بررسی تأثیر و تأثر آن بر نظام شخصیتی آن جامعه دست یافت. ارزش‌ها، الگوهای رفتاری عینی - ذهنی نسبتاً پایداری هستند که مطلوبیت آن‌ها از سوی افراد جامعه برای مدت زمان معینی پذیرفته و به‌مثابه راهنمای اعمال انسان‌ها عمل می‌کند.

نظام ارزشی، مجموعه‌ای از ارزش‌هاست که افراد جامعه درباره آن‌ها توافق نسبتاً زیادی دارند و از خود و اطرافیان انتظار دارند که این ارزش‌ها را مطلوب دانسته و مطابق با آن‌ها رفتار نمایند. از آن‌جا که یکی از مشخصات نظام ارزشی و ارزش‌ها، نسبی بودن آن‌هاست، یعنی از فردی به فرد دیگر و از فضایی به فضای دیگر و از زمانی به زمان دیگر تفاوت می‌کند و این تفاوت‌ها تحت تأثیر برخی عوامل اجتماعی و فردی است که می‌توان با بررسی تأثیر آن‌ها و میزان این تأثیر با توجه (و کنترل) سایر عوامل به تبیین و پیش‌بینی درباره این ارزش‌ها دست یافت، از این رو نوشتار حاضر بر آن است تا نخست، الگوی منسجمی از نظام ارزشی افراد تحت مطالعه به دست دهد و ابعاد و عناصر سازنده این نظام ارزشی را بنمایاند و فضای مفهومی و کمی هر یک را مشخص سازد و دوم آن‌که، عوامل اجتماعی و فردی مؤثر بر هر یک از ابعاد نظام شخصیتی و میزان این تأثیر را بر آن‌ها بررسی کند.

## ۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

ارزش‌ها نقش اساسی در تبیین، کنترل، هدایت، نظارت و پیش‌بینی کنش دارند و عنصری بنیادین در نظام فرهنگی به‌شمار می‌روند. تا جایی‌که بیشتر نظریه‌پردازان علوم اجتماعی و به‌خصوص جامعه‌شناسی به بررسی و شناسایی آن در اجتماعات بشری پرداخته‌اند و به لزوم بررسی آن به‌منظور پیش‌بینی و تبیین پدیده‌های بشری و کنش‌هایشان توجه داشته‌اند. در این

میان می‌توان از دورکیم با مبحث وجدان جمعی و همبستگی مکانیکی و ارگانیکی و نظام ارزشی هر یک از آن‌ها، پارسونز با بحث از نظام فرهنگی که از طریق ارزش‌ها و هنجارها به سایر خرده‌نظام‌های کنش نظارت - کنترل می‌کند و اطلاعات می‌رساند و از طریق همان‌ها به تبادل اطلاعات در بین سایر خرده‌نظام‌ها و سایر نظام‌های اجتماعی (جوامع) می‌پردازد، وبر با بحث ارزش‌های سنتی در برابر ارزش‌های عقلانی و کنش و اقتدار مربوط به هر یک، مارکس با مبحث فرهنگ به‌مثابه روبنا و تأثیر پذیرنده از زیربنای اقتصادی (امنیت اقتصادی و جانی اینگلهارت) و هابرماس با مبحث از بحران مشروعیت‌ها.

با ارائه مدل علمی الگو مانند، از نظام ارزشی جامعه و ابعاد تشکیل‌دهنده آن و میزان دخالت هر بعد نسبت به سایر ابعاد در نظام ارزشی بیان شده می‌توان به یک بینش و دید کلی دربارهٔ اذهان و دید افراد جامعه نسبت به پدیده‌ها و مطلوبیت‌ها رسید.

از سوی دیگر هر یک از ابعاد نظام ارزشی، نمایانگر تأثیر عواملی چند، در با ارزش دانستن آن از سوی تعدادی از افراد جامعه است که با بازبایی و میزان تأثیر آن‌ها (و احتمالاً یافتن رابطه علی - معلولی میان آن‌ها) می‌توان به تعیین رابطه، حذف عوامل بحران‌زا در نظام ارزش و تزریق عوامل منسجم‌کننده و وحدت‌بخش نظام ارزشی پرداخت.

### ۳- اهداف تحقیق

از جمله اهداف تحقیق حاضر عبارتند از:

- ۱- بررسی مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذارنده بر نظام ارزشی مادی و فرامادی.
- ۲- آزمون فرضیه‌های اینگلهارت کمیایی و اجتماعی شدن و رابطه این تئوری با سایر تئوری‌های تبیین‌کنندهٔ موضوع.
- ۳- رسیدن به یک مطالعهٔ منسجم علمی دربارهٔ ارزش‌ها در بین جوانان تحصیلکردهٔ ایران با استفاده از طیف ارزش‌های جهانی و امکان مقایسهٔ نتایج آن با سایر مطالعات مشابه.
- ۴- امکان مقایسه با تحقیقات داخلی مشابه پیشین.
- ۵- مطالعهٔ تطبیقی بین‌فرهنگی بین ارزش‌های دانشجویان جامعه با تحقیقات جهانی اینگلهارت در بیش از ۴۳ کشور جهان، همچنین امکان مقایسه سایر نشانگان فرهنگی.

#### ۴- چهارچوب نظری تحقیق

اینگلهارت در کتاب معروف خود تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی در بررسی تحول ارزشی از مادی به فرامادی در غرب با دو فرضیه اصلی بحث چهارچوب نظری خود را آغاز می‌کند:

۱- فرضیه کمیابی. اولویت‌های فرد، بازتاب محیط اجتماعی اقتصادی وی است: شخص بیشترین ارزش‌ها را برای آن چیزهایی قائل می‌شود که عرضه آن نسبتاً کم است.

۲- فرضیه اجتماعی شدن. مناسبات میان محیط اجتماعی اقتصادی و اولویت‌های ارزشی، رابطه مبتنی بر تطابق بلافاصله نیست: تأخیر زمانی محسوسی در این میان وجود دارد، زیرا ارزش‌های اصلی مشخص تا حدود زیادی انعکاس شرایطی است که در طول سال‌های قبل از بلوغ وی حاکم بوده است (اینگلهارت، ۱۳۷۳، ۷۵).

اینگلهارت می‌نویسد: فرضیه کمیابی به دگرگونی‌های کوتاه‌مدت یا آثار دوره‌ای اشاره دارد، دوره‌های رونق که به افزایش فرامادی‌گرایی و دوره‌های کمیابی که به مادی‌گرایی می‌انجامد. فرضیه اجتماعی شدن دلالت بر آن دارد که آثار بلندمدت گروه‌های سنی نیز وجود دارد. نظریه اینگلهارت درباره دگرگونی ارزشی پیش‌بینی می‌کند که جایگزینی جمعیت نسل جدید به تدریج به جابه‌جایی بلندمدت از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی منجر خواهد شد (همان، ۸۷). این دو فرضیه در کنار یکدیگر، مجموعه به هم پیوسته‌ای از پیش‌بینی‌های مربوط به دگرگونی ارزش‌ها را پدید می‌آورند. نخست آن‌که، در حالی که فرضیه کمیابی دلالت بر این دارد که رونق و شکوفایی اقتصادی به گسترش ارزش‌های فرامادی می‌انجامد، فرضیه اجتماعی شدن مبین این است که ارزش‌های فردی و ارزش‌های جامعه به‌طور کلی به یک‌باره تغییر نمی‌کند. برعکس، دگرگونی اساسی ارزش‌ها به تدریج و بیشتر به طرز نامیری روی می‌دهد یا این دگرگونی در مقیاس وسیع، هنگامی پدید می‌آید که نسل جوان‌تر جایگزین نسل مسن‌تر در جمعیت بزرگسال جامعه می‌شود.

دوم آن‌که، پس از هر دوره افزایش سریع امنیت جانی و اقتصادی، شخص انتظار دارد بین اولویت‌های ارزشی گروه‌های بزرگ‌تر و جوان‌تر تفاوت‌های محسوسی بیابد: این اولویت‌های ارزشی باید تحت تأثیر تجربه‌های مختلف سال‌های شکل‌گیری‌شان باشد (همان، ۷۷ و ۷۶).

فرضیه اجتماعی شدن فرضیه کمیابی را تکمیل می‌کند و ایرادهای ناشی از دیدگاه بیش از حد ساده‌بینانه، تأثیر کمیابی بر رفتار را برطرف می‌سازد (همان، ۷۷).  
اینگلهارت معتقد است ارضای نیازهای طبیعی به رشد اهمیت خواسته‌های غیرفیزیولوژیکی یا فرامادی منتهی می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۷۳، ۱۵۲).

اینگلهارت سپس رابطه امنیت اقتصادی و جانی و اقوال هنجارهای مذهبی را بررسی می‌کند و یکی از عوامل مؤثر بر کاهش ارزش‌های سنتی در جامعه پیشرفته صنعتی را افزایش احساس امنیت می‌داند که این امر نیاز به هنجارهای مطلق را کم‌رنگ می‌کند. افراد تحت فشارهای روانی نیاز به مقررات قابل پیش‌بینی و خشک دارند. این نوع تفکر درباره امنیت، امنیت وجودی‌گیدنز را در خاطر ما می‌آورد که وی معتقد است شخص دوست دارد جهان بیرونی‌اش (بیرون از وجود و خانه خویش) به گونه‌ای که در ذهن به صورت امن و قابل پیش‌بینی تصور می‌کند، باشد وی به اعتبار دقیق بودن روابط و علت و معلول‌ها و نظام‌دار بودن آن‌ها در جهان بیرون از خانه کنش اقتصادی یا کنش اجتماعی انجام می‌دهد.  
اینگلهارت می‌گوید:

«ما شواهدی یافته‌ایم مبنی بر این‌که بخش عمده‌ای از تغییرات اجتماعی هنگامی رخ می‌دهد که جوامع به سطح پیشرفته‌ای از توسعه صنعتی می‌رسند (Inglehart, 1997, 67).

«نگرش‌ها به تنهایی تعیین‌کننده رفتارها نیستند. شخص تحت تأثیر عوامل موقعیتی<sup>(۱)</sup> نیز قرار دارد. پس رفتار نتیجه انگیزه<sup>(۲)</sup> و فرصت<sup>(۳)</sup> است» (Ibid, 52).

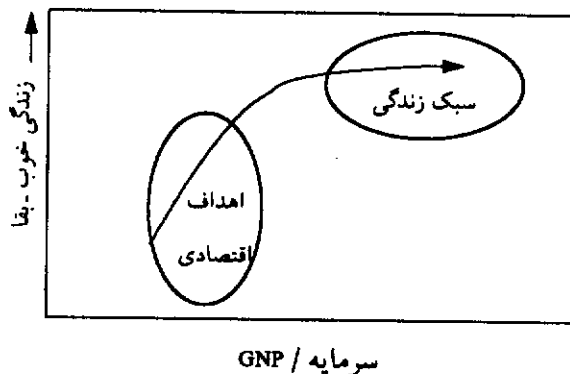
اینگلهارت معتقد است تغییرات در سطح فردی منجر به تغییرات در سطح جامعه می‌شود (Inglehart, 1997). وی تغییر در نحوه زندگی افراد را مرحله‌ای در پس ارضای اهداف اقتصادی می‌داند:

(1) Factors Situational

(2) Motive

(3) Opportunity

شکل ۱: توسعه اقتصادی منجر به تحول در استراتژی‌های بقا می‌شود.



سطوح پایین توسعه اقتصادی، حتی اهداف متوسط اقتصادی، وسایل گرمایش پوشاک، سرپناه و مراقبت‌های پزشکی (بهداشتی) همگی بستگی به میزان امید به زندگی فرد دارد. در سطوح فردی دادن تقدم به اهداف اقتصادی و در سطح جامعه دادن تقدم به رشد اقتصادی تأثیر بسیاری بر استراتژی بقا دارد؛ به گونه‌ای که پس از رسیدن به توسعه یافتگی، رشد اقتصادی آتی حداقل اهداف را، هم در امید به زندگی و هم در ذهنیت فرد می‌سازد. بدین ترتیب بخش بزرگی از تفاوت‌ها در سطح ملی مرتفع می‌شود و سپس جنبه‌های غیراقتصادی زندگی به‌طور فزاینده‌ای تأثیر مهمی بر طول عمر و چگونگی زندگی افراد می‌گذارد (Ibid. 54-56).

اینگلهارت درباره رابطه مذهب و رشد اقتصادی می‌گوید:

«در هر جامعه ماقبل صنعتی... فرهنگ جامعه، مردم را به پذیرش موقعیت

اجتماعی‌شان در زندگی تشویق می‌کند و تأکید بر این‌که فروتنی را بپذیرند و

آرزوهای دنیوی را برای پاداش گرفتن در جهان بعدی رد کنند.»

امید برای تحرک اجتماعی به سختی بیان می‌شود. چنین سیستم‌های اجتماعی کمک می‌کنند تا جامعه همبستگی اجتماعی خود را حفظ کنند و انباشت اقتصادی را تشویق نمی‌کند (Ibid. 70).

اینگلهارت مشخصات جوامع سنتی، مدرن و پسامدرن را در جنبه‌های مختلف بدین‌گونه در

جدول ۱، خلاصه کرده است:

جدول ۱: جامعه سنتی، مدرن و پست مدرن: اهداف جامعه‌ای و ارزش‌های فردی

پست مدرن	مدرن	سنتی	
حداکثر آسایش ذهنی	نهایت رشد اقتصادی	بقا در اقتصاد دولتی پایدار	برنامه اصلی جامعه
افزایش‌های فرامادی و فرامدرن	انگیزه به دست آوردن کار	مذهب‌های سنتی و هنجارهای محلی	ارزش‌های فردی
تأکیدزدایی هم از اقتدار قانونی و هم از اقتدار مذهبی	اقتدار عقلانی - قانونی	اقتدار سنتی	سیستم اقتدار

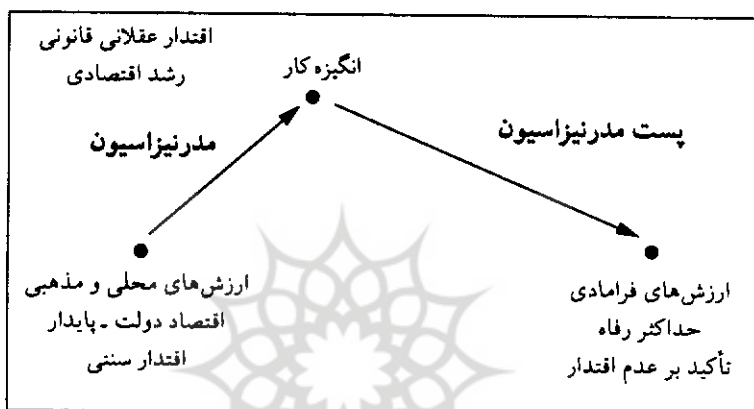
منبع: (Inglehart, 1977, 76)

ارزش‌های فردی غالب در جامعه سنتی، ارزش‌های اجتماعی و مذهبی سنتی هستند که در گذار جامعه از سنتی به مدرن جای خود را به انگیزه پیشرفت و ترقی می‌دهند، به دنبال آن باگذار جامعه از مدرن به پست مدرن انگیزه پیشرفت به مثابه ارزش غالب دوره مدرنیزاسیون جای خود را به ارزش‌های فرامادی و غیرفیزیولوژیک می‌دهد. به عبارت دیگر، هرچه جامعه سنتی تر باشد، ارزش‌های اجتماعی مذهبی - سنتی جایگاه والایی نسبت به ارزش‌های دیگر داشته تا جایی که عدم هم‌نواایی با ارزش‌های مذکور، فشار هنجاری و اجتماعی را در پی خواهد داشت. با گذار و حرکت جوامع از سنتی به مدرن، ارزش‌های اجتماعی - سنتی، جای خود را به انگیزه پیشرفت خواهد داد، چرا که در دوره مدرن، همچنان‌که در تئوری مدرنیزاسیون مطرح شد، شکوفایی و رفاه و امنیت اقتصادی و جانی جایگزین دوره ماقبل مدرن (سنتی) می‌شود و چون این ارزش‌ها به منزله ارزش غالب فردی در جامعه، دارای قدرت و قوت می‌شود، جامعه را به جایی می‌رساند که در آن افراد از نظر اقتصادی و مادی به رونق و شکوفایی می‌رسند و مطابق با نظریه نیازهای مازلو، دیگر از لحاظ نیاز فیزیولوژیک احساس نیاز نمی‌کنند و در این مرحله است که جامعه گذار خود را از مدرن به پست مدرن آغاز کرده و ارزش‌های فرامادی را جایگزین ارزش‌های انگیزه پیشرفت خواهد کرد. بدین ترتیب، به تدریج هنجارها و ارزش‌های جامعه از سنتی به مدرن و از مدرن به پست مدرن تغییر خواهد کرد.



اینگلهارت معتقد است در تحول از مدرنیزاسیون به پست مدرنیزاسیون، تغییر در جنبه‌های کلیدی زندگی رخ می‌دهد. وی این امر را با شکل زیر نشان می‌دهد (Ibid. 75).

### شکل ۲: سیر تحول تاریخی ارزش‌ها



#### ۱-۴- مدرنیزاسیون یا مقاومت ارزش‌های سنتی

در سال‌های اخیر، تحقیقات و تئوری‌ها دربارهٔ توسعه اقتصادی و اجتماعی، دو مکتب فکری را به وجود آورده‌اند: مکتب نخست، برهمگرایی ارزش‌ها به مثابه نتیجه مدرنیزاسیون یا به تعبیر دیگر بر تغییر ارزش‌های فرهنگی در نتیجه فشارهای اقتصادی و سیاسی تأکید می‌کند. این مکتب پیش‌بینی می‌کند که ارزش‌های سنتی کاهش پیدا می‌کنند و ارزش‌های مدرن جایگزین آن‌ها می‌شوند. مکتب دوم، بر مقاومت ارزش‌های سنتی به‌رغم تغییرات سیاسی و اقتصادی تأکید می‌کند. این مکتب اظهار می‌دارد که ارزش‌ها نسبتاً از شرایط اقتصادی مستقل نشأت می‌گیرند. در نتیجه پیش‌بینی می‌کند که همگرایی دربارهٔ مجموعه‌هایی از ارزش‌های مدرن غیرمحتمل است و ارزش‌های سنتی به زندگی و حیات خود به‌رغم تغییرات فرهنگی در نتیجه توسعه اقتصادی ادامه خواهد داد.

۲-۴- ارزش‌های سنتی / عقلانی - سکولار و ارزش‌های خودابرازی / بقا<sup>(۱)</sup>

با پدید آمدن تغییرات بین نسلی شاهد آنیم که تأکید بر آسایش اقتصادی و فیزیکی جای خود را به خودابرازی و کیفیت زندگی بهتر می‌دهد (اینگلهارت، ۱۳۷۳). این تغییرات فرهنگی در سراسر جامعه صنعتی یافت می‌شود. این امر در شرایطی پدید می‌آید که افراد در برهه‌ای زمانی و مکانی متولد می‌شوند که ارزش بقا بدیهی شمرده می‌شود و در نتیجه این تغییرات، شاهد نوعی تأکید بیشتر بر حفاظت از محیط، جنبش‌های زنان، افزایش مشارکت در عرصه سیاسی و زندگی خواهیم بود. در ۲۵ سال گذشته این ارزش‌ها در همه کشورهای صنعتی توسعه یافته، افزایش یافته است (Inglehart, 2000. 25-28).

جوامعی که بر ارزش‌های حیات تأکید می‌کنند، سطح نسبتاً پایینی از آسایش ذهنی را به دست می‌دهند و از لحاظ سلامتی نیز در سطح پایینی قرار می‌گیرند. همچنین در این جوامع اعتماد بین شخصی، میزان تحمل غیرخودی‌ها، میزان حمایت از برابری جنسی در سطح پایینی قرار دارند، بر ارزش‌های مادی تأکید می‌کنند، از ایمان بالایی در علم و تکنولوژی برخوردارند، دارای فعالیت‌های محیطی نسبتاً کمی هستند و تقریباً برای اقتدار حکومتی مناسب‌اند؛ حال آنکه جوامع دارای خودابرازی بالا نقاط مقابل این ویژگی‌ها را دارند (Ibid. 28).

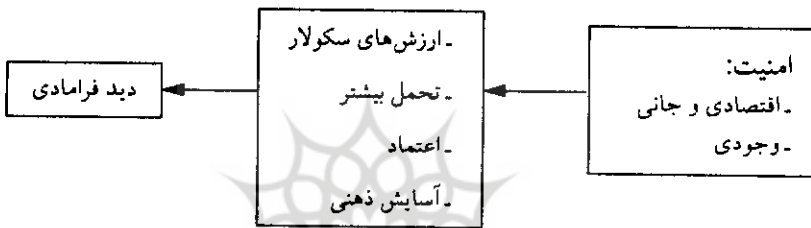
اگر ابعاد سنتی / عقلانی - سکولار جامعه‌ای مشخص شود، تغییرات بین فرهنگی آن جامعه محدود می‌شود. یعنی اگر افراد جامعه مشخصی، تأکید زیادی بر نقش مذهب داشته باشند، وضعیت نسبی آن‌ها را می‌توان در سایر متغیرها پیش‌بینی نمود. مانند: نگرش آن‌ها به سقط جنین، غرور ملی (کسانی که مذهبی‌ترند دارای غرور ملی بالاتری هستند)، احترام به اقتدار و نگرش آن‌ها به تربیت کودکان و... بعد خودابرازی بقا ابعاد وسیع‌تر دیگری را با مجموعه همبستگی قوی از متغیرها مانند ارزش‌های مادی (نظیر حفظ نظم، غرور برای مبارزه و دفاع) در مقابل ارزش‌های فرامادی (نظیر آزادی و خودابرازی)، آسایش، اعتماد بین شخصی، فعالیت سیاسی و تحمل بیگانگان منعکس می‌کند. به نظر می‌رسد توسعه اقتصادی تأثیر قوی‌ای بر ارزش‌های فرهنگی داشته باشد. نظام‌های ارزشی کشورهای ثروتمند به طور سیستماتیک نسبت به کشورهای فقیر تفاوت می‌کند (Ibid. 29).

(1) (Traditional / Secular - Rational Values and Survival / Self - Expression Values)

اینگله‌هارت می‌گوید:

ارزش‌های خودابرازی در همه کشورهای صنعتی توسعه یافته و در دیگر کشورها، گسترش می‌یابد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که افزایش امنیت سبب نوعی تغییر ارزشی در جهت ارزش‌های سکولار، تحمل بیشتر، اعتماد، آسایش ذهنی و در نتیجه دید فرامادی می‌گردد (Ibid. 37).

به طور خلاصه این مطلب را می‌توان این‌گونه بیان کرد:



#### ۳-۴- ارزش‌های مادی و فرامادی

اینگله‌هارت در توضیح ارزش‌های مادی و فرامادی می‌گوید:

فرامادیون همان «غیرمادیون»<sup>(۱)</sup> نیستند، با وجود این کمتر «ضدمادی»<sup>(۲)</sup> هستند. اصطلاح فرامادی اشاره به مجموعه‌ای از اهداف دارد که بعد از رسیدن افراد به «امنیت مادی»<sup>(۳)</sup> بر آن‌ها تأکید می‌شود، چرا که آن‌ها به «امنیت مادی» رسیده‌اند. از این‌رو، زوال امنیت به تغییر تدریجی بازگشت به اولویت‌های مادی منجر خواهد شد. ظهور گرایش به ارزش‌های فرامادی انعکاسی از وارونگی قطب‌ها نیست، بلکه تغییر اولویت‌هاست. فرامادیون ارزش منفی به اقتصاد و امنیت فیزیکی نمی‌دهند. آن‌ها آن را مثل هر کس دیگر مثبت ارزش‌گذاری می‌کنند و برخلاف مادیون، حتی اولویت بیشتری به «ابراز وجود»<sup>(۴)</sup> و «کیفیت زندگی»<sup>(۵)</sup> می‌دهند (Inglehart, 1997, 35).

(1) Non-Materialists

(2) Anti-Materialists

(3) Material security

(4) Self-Expression

(5) Quality of life

#### ۴-۴- ارزش‌ها و امنیت سازنده<sup>(۱)</sup>

اینگلهارت معتقد است:

«در صورتی که ارزش‌های فرامادی بازتاب امنیت سازنده (اصطلاح کوتاه شده امنیت جانی و اقتصادی در طول سال‌های شکل‌گیری شخصیت فرد) باشد، باید در انتظار یافتن نسبت بیشتری از فرامادیون در میان پاسخگویان نسبتاً مرفه باشیم. کسانی که در حال حاضر جزو اقشار مرفه جامعه هستند لزوماً در سال‌های شکل‌گیری‌شان دارای چنین موقعیتی نبوده‌اند، اما از آن‌جا که همبستگی نیرومندی بین سطح اقتصادی فرد در حال حاضر و در گذشته وجود دارد، پیش‌بینی می‌شود پرسش‌شوندگانی که متعلق به قشرهای بالاتر هستند کمتر مادی باشند» (اینگلهارت، ۱۳۷۳، ۸۳).

#### ۴-۵- احساس سعادت و رابطه آن با ارزش‌ها (آرزو با وضعیت تطابق می‌یابد)

اینگلهارت معتقد است:

«سطوح نسبتاً پایین انتشار رضایت و اعتماد موجب می‌شود که شخص به

احتمال زیاد نظام سیاسی موجود را نپذیرد» (همان، ۴۱).

براساس یافته‌های وی، فرامادیون کمتر از مادیون احساس خوشبختی می‌کنند. فرامادیون دقیقاً به این دلیل که دارای امنیت اقتصادی هستند فرامادیند. اینان اوضاع اقتصادی نسبتاً مطلوبی در بلندمدت در سراسر عمرشان تجربه کرده‌اند. در نتیجه سطوح نسبتاً بالای درآمد، تحصیلات و حرفه به‌طور خاص نمی‌تواند موجب سطوح بالای رضایت ذهنی شود. اما اولویت‌هایشان به سوی خواسته‌های غیرمادی می‌گراید. به‌طور خلاصه با وجود سطوح نسبتاً بالای درآمد، حرفه و تحصیلات انتظار نمی‌رود که فرامادیون به همان میزان، سطوح بالایی در خصوص سعادت ذهنی از خود نشان دهند (همان، ۲۶۹).

در پایان باید گفت: در قرن نوزدهم به بعد ظهور نظام ارزشی مادی‌گرایانه که نه فقط انباشت

ثروت را روا می‌داشت، بلکه آن را به مثابه امری ستودنی و قهرمانانه تشویق می‌کرد، دگرگونی بنیادینی بود که راه را بر سرمایه‌داری و صنعتی‌شدن هموار ساخت. و بر در کتاب اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری این موضوع را بررسی کرده است، اما اثر او را باید بررسی موردی پدیده‌ای عام به‌شمار آورد. امروزه کارکرد معادل اخلاق سرمایه‌داری با شدت و حدت تمام بر آسیای خاوری حکمفرماست، حال آن‌که در اروپای پروتستان رفته رفته کم‌رنگ می‌شود، چراکه تحول فناوری و دگرگونی فرهنگی به پدیده‌هایی جهانی بدل شده‌اند (اینگلهارت، ۱۳۷۷، ۳۳-۱).

#### ۴-۶- نظریه همگرایی<sup>(۱)</sup>

بحث‌های زیادی درباره «فرضیه همگرایی» انجام شده است. این فرضیه بر آن است که جوامع جهان در طی زمان با در نظر گرفتن ویژگی‌های متفاوتی چون ساختار نیروی کار، تکنولوژی، سطح توسعه، رتبه‌بندی‌های منزلت شغلی و بوروکراتیزه شدن دولتی و قدرت، مشابهت بیشتری باهم خواهند یافت. بحث محوری این «فرایند همگن‌ساز»<sup>(۲)</sup> نشر تکنولوژی صنعتی و ارزش‌های جدید در سرتاسر جهان است. برای مثال «کیر»<sup>(۳)</sup>، «دانلوپ»<sup>(۴)</sup>، «هاربیسون»<sup>(۵)</sup> و «مایرز»<sup>(۶)</sup> (۱۹۶۴) به توصیف «منطق صنعتی شدن»<sup>(۷)</sup> پرداخته‌اند که تمام ملت‌ها را به سوی نقطه‌ای مشترک یعنی جامعه صنعتی می‌کشاند. دیگران بر این نظرند که توسعه‌دهندگان مؤخر می‌توانند با سیاست‌های عقلانی و تکنولوژی پیشرفته به توسعه سریعی برسند که آن‌ها را قادر خواهد ساخت با ملل از پیش توسعه یافته همگام شوند.

نظریه همگرایی، انشعابی از نظریه نوسازی است. این نظریه ادعا می‌کند که اختلاف‌ها و تفاوت‌ها در سنت‌های اجتماعی، همزمان با جریان صنعتی شدن جامعه‌ها از میان برداشته می‌شوند و جامعه‌های مدرن به‌طور همگرا و با ویژگی‌های کم و بیش یکسان باهم مشابهت پیدا می‌کنند. معتقدان به نظریه همگرایی اظهار می‌دارند که جامعه‌های غیرصنعتی با گذشت

(1) Convergence

(2) Homogenizing process

(3) Kerr

(4) Dunlop

(5) Harbison

(6) Myers

(7) Logic of Industrialization

فاصله‌های کم و بیش زمانی، سرانجام به‌طور همگرا به صورت جامعه‌های صنعتی و مشابه با ویژگی‌های آن‌ها متحول خواهند شد. این قلمرو نظری حاکی از آن است که فشار حاصل از گسترش تکنولوژی، آنچنان قدرتمند است که دیری نخواهد پایید که جامعه‌های سنتی را به صورت جامعه‌های صنعتی امروزه متحول خواهد ساخت. کیر، از مطرح‌کنندگان نظریه همگرایی، معتقد است که دیری نخواهد گذشت تا همه کشورهای صنعتی باهم مشابه و نظیر یکدیگر خواهند شد.

#### ۴-۷- نظریه واگرایی

واگرایی به مفهوم تباعد و دور شدن است و در قلمرو جامعه‌شناسی به ایجاد فاصله اجتماعی - اقتصادی میان جامعه‌ها اطلاق می‌شود. از این دیدگاه چنین استدلال می‌شود که به دلیل ایجاد رابطه‌ای سلطه‌جویانه از سوی جوامع صنعتی، جوامع جهان عملاً از هم دور می‌شوند. چنین تحلیل‌هایی غالباً براساس توجه و تأکید بر خصلت ایجاد تمایز اجتماعی و پویایی برون مرزی صنعت شکل می‌گیرد. چرا که صنعت، اصولاً با دامن زدن به تشدید نابرابری‌های اجتماعی در درون جوامع و در صحنه بین‌المللی، در میان جامعه‌ها، موجب می‌شود که تمایزات اجتماعی بیشتر و بیشتر گردد (علیزاده، ۱۳۸۰، ۲۲).

#### ۴-۸- نظریه چندگونگی فرهنگی

صاحب‌نظران دیدگاه چندگونگی فرهنگی با تأکید بر نقش یگانه سنت‌های فرهنگی، چنین استدلال می‌کنند که هر جامعه، حتی در جریان صنعتی‌شدن، در مسیر خاص فرهنگی خویش حرکت می‌کند. این دیدگاه بر این نکته تأکید می‌ورزد که تحولات صنعتی و تکنولوژی در هر جامعه در چهارچوب نهادهای اجتماعی و نظام ارزشی هر جامعه عمل می‌کند و توسعه صنعتی و تکنولوژیک قادر به امحا و از میان برداشتن عناصر اصیل فرهنگی جامعه‌ها نخواهد بود. صنعتی‌شدن در هر حال، تحت تأثیر فرهنگ، نظام ارزشی و نهادهای خاص هر جامعه است (همان).

#### ۹-۴- چگونگی استفاده از دیدگاه‌های همگرایی، واگرایی و چندگونگی فرهنگی

##### در تحقیق حاضر

همان‌طور که اینگلهارت و دیگران مطرح کردند تقریباً کمتر جامعه‌ای است که در جریان صنعتی‌شدن و مدرنیزاسیون قرار نگرفته باشد. براساس این نظریه تمامی این جوامع طی مدرنیزه شدن، شماری از الگوهای رفتاری، اعتقادی و کنشی را کسب کرده‌اند. به عبارت دیگر، فرآیند صنعتی و مدرن شدن، الگوها، معیارها و ارزش‌های خاص خود را به دنبال خواهد آورد. از سوی دیگر، براساس نظریهٔ واگرایی، در جریان صنعتی‌شدن جوامع جهان، خصلت صنعتی‌شدن موجب از هم دور شدن فرهنگ‌های این جوامع و دامن‌زدن به تشدد‌ها و نابرابری‌ها می‌شود که در نتیجهٔ آن، فرهنگ‌ها و ارزش‌های جوامع در مسیرهایی متفاوت و گاه متناقض با یکدیگر قرار خواهند گرفت؛ همچنین مطابق نظریهٔ چندگونگی، هر جامعه بنا به ویژگی خاص فرهنگی خود، با صنعت همگام خواهد شد.

#### ۵- فرضیه‌ها

۱- بین احساس امنیت اجتماعی و ارزش‌های مادی و فرامادی رابطه وجود دارد. به‌طوری‌که افرادی که دارای احساس امنیت بالایی هستند ارزش‌های فرامادی را در اولویت قرار دهند و کسانی که از احساس امنیت پایینی برخوردارند ارزش‌های مادی را در اولویت قرار دهند.

احساس امنیت اجتماعی ← ارزش‌های مادی و فرامادی

۲- بین امنیت شغلی و ارزش‌های مادی و فرامادی رابطه وجود دارد. به‌طوری‌که کسانی که احساس امنیت شغلی بالایی دارند، ارزش‌های فرامادی را در اولویت قرار می‌دهند و کسانی که احساس امنیت شغلی پایینی دارند، ارزش‌های مادی را در اولویت قرار می‌دهند.

امنیت شغلی ← ارزش‌های مادی و فرامادی

۳- بین امنیت سازنده و ارزش‌های مادی و فرامادی رابطه وجود دارد. به‌طوری‌که کسانی که از احساس امنیت سازنده بالایی برخوردارند ارزش‌های فرامادی را در اولویت قرار می‌دهند و کسانی که از احساس امنیت پایینی برخوردارند ارزش‌های مادی را در اولویت قرار می‌دهند.

امنیت سازنده ← ارزش‌های مادی و فرامادی

۴- بین امنیت وجودی و ارزش‌های مادی و فرامادی رابطه وجود دارد. به طوری که کسانی که احساس امنیت وجودی بالایی دارند ارزش‌های فرامادی را در اولویت قرار می‌دهند و کسانی که احساس امنیت وجودی پایینی دارند ارزش‌های مادی را در اولویت قرار می‌دهند.

احساس امنیت وجودی ← ارزش‌های مادی و فرامادی

۵- بین میزان احساس سعادت ذهنی و ارزش‌های مادی و فرامادی رابطه معناداری وجود دارد. به طوری که افرادی که از میزان احساس سعادت ذهنی بالایی برخوردارند ارزش‌های فرامادی را در اولویت قرار می‌دهند و افرادی که از میزان احساس سعادت ذهنی پایینی برخوردارند ارزش‌های مادی را در اولویت قرار می‌دهند.

میزان احساس سعادت ذهنی ← ارزش‌های مادی و فرامادی

۶- بین میزان احساس خوشبختی و ارزش‌های مادی و فرامادی رابطه معناداری وجود دارد. به طوری که افرادی که از میزان احساس خوشبختی بالایی برخوردارند، ارزش‌های فرامادی را در اولویت قرار می‌دهند و افرادی که از میزان احساس خوشبختی پایینی برخوردارند، ارزش‌های مادی را در اولویت قرار می‌دهند.

میزان احساس خوشبختی ← ارزش‌های مادی و فرامادی

۷- بین میزان رضایت اجتماعی و ارزش‌های مادی و فرامادی رابطه معناداری وجود دارد. به طوری که کسانی که از میزان رضایت اجتماعی بالایی برخوردارند ارزش‌های فرامادی را در اولویت قرار می‌دهند و کسانی که از میزان رضایت اجتماعی پایینی برخوردارند ارزش‌های مادی را در اولویت قرار می‌دهند.

میزان رضایت اجتماعی ← ارزش‌های مادی و فرامادی

۸- بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین فرد و ارزش‌های مادی و فرامادی رابطه معناداری وجود دارد. به طوری که هر چه پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین فرد بالا باشد، افراد بیشتر به ارزش‌های فرامادی روی می‌آورند.

پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین فرد ← ارزش‌های مادی و فرامادی

۹- بین میزان مشروعیت (ثبات) دموکراسی حاکمه و ارزش‌های مادی و فرامادی رابطه



وجود دارد. به طوری که هرچه دموکراسی حاکمه از میزان ثبات بیشتری (کارایی بالا + مشروعیت) برخوردار باشد افراد بیشتر تمایل دارند ارزش‌های فرامادی را در اولویت قرار دهند در حالی که هرچه دموکراسی حاکمه از میزان ثبات کمتری برخوردار باشد افراد بیشتر تمایل دارند به ارزش‌های مادی اولویت دهند.

میزان ثبات دموکراسی حاکمه ← ارزش‌های مادی و فرامادی

۱۰- بین بردباری اجتماعی و ارزش‌های مادی و فرامادی رابطه معناداری وجود دارد. به طوری که بردباری اجتماعی بالا موجب روی‌آوری افراد به ارزش‌های فرامادی می‌شود و بالعکس.

بردباری اجتماعی ← ارزش‌های مادی و فرامادی

۱۱- بین اعتماد اجتماعی و ارزش‌های مادی و فرامادی رابطه معناداری وجود دارد. به طوری که بالا بودن میزان اعتماد اجتماعی در افراد موجب روی‌آوری فرد به ارزش‌های فرامادی می‌شود و بالعکس.

اعتماد اجتماعی ← ارزش‌های مادی و فرامادی

۱۲- بین اعتماد بین شخصی<sup>(۱)</sup> و ارزش‌های مادی و فرامادی رابطه معناداری وجود دارد. به طوری که بالا بودن اعتماد بین شخصی در افراد باعث روی‌آوری فرد به ارزش‌های فرامادی می‌شود و بالعکس.

اعتماد بین شخصی ← ارزش‌های مادی و فرامادی

۱۳- بین ارزش‌های خود ابرازی / بقا و ارزش‌های مادی و فرامادی رابطه معناداری وجود دارد. به طوری که هرچه از سوی اولویت به ارزش‌های بقا به سوی اولویت به ارزش‌های خود ابرازی پیش می‌رویم، افراد بیشتر ارزش‌های فرامادی را در اولویت برتر قرار می‌دهند.

ارزش‌های خود ابرازی / بقا ← ارزش‌های مادی و فرامادی

۱۴- بین ارزش‌های سنتی / عقلانی - سکولار و ارزش‌های مادی و فرامادی رابطه معناداری وجود دارد. به طوری که هرچه از سوی اولویت به ارزش‌های سنتی به سوی اولویت به

ارزش‌های عقلانی سکولار پیش می‌رویم، افراد بیشتر ارزش‌های فرامادی را در اولویت برتر قرار می‌دهند.

ارزش‌های سنتی / عقلانی - سکولار ← ارزش‌های مادی و فرامادی

۱۵- بین متغیر قوم مرکزی و ارزش‌های مادی و فرامادی رابطه معکوس معناداری وجود دارد. به طوری که با افزایش قوم مرکزی در افراد، آنان ارزش‌های مادی را در اولویت برتر خود قرار می‌دهند و بالعکس.

قوم مرکزی ← ارزش‌های مادی و فرامادی

۱۶- بین میزان وابستگی مذهبی فرد و ارزش‌های مادی و فرامادی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. به طوری که با افزایش میزان وابستگی مذهبی فرد، وی بیشتر اهداف مادی را در اولویت قرار می‌دهد و با کاهش میزان وابستگی مذهبی، ارزش‌های فرامادی در اولویت قرار می‌گیرند.

میزان وابستگی مذهبی ← ارزش‌های مادی و فرامادی

۱۷- بین متغیر انگیزه پیشرفت<sup>(۱)</sup> و ارزش‌های مادی و فرامادی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. به طوری که با افزایش میزان انگیزه پیشرفت فرد، وی بیشتر اهداف مادی را در اولویت قرار می‌دهد و با کاهش میزان انگیزه پیشرفت، ارزش‌های فرامادی را در اولویت قرار می‌دهد.

میزان انگیزه پیشرفت ← ارزش‌های مادی و فرامادی

## ۶- روش تحقیق

روش تحقیق مطالعه حاضر از نوع پیمایشی است و داده‌ها به صورت میدانی و از طریق مصاحبه و پرسشنامه جمع‌آوری شده است. جامعه آماری این پژوهش را دانشجویان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (تهران) در سال تحصیلی ۱۳۸۱ ه. ش تشکیل می‌دهد. نمونه جامعه آماری نیز از بین دانشجویان مقاطع فوق‌دیپلم، لیسانس و فوق‌لیسانس (دختر و پسر) اکثر رشته‌های تحصیلی در دانشگاه‌های واقع در تهران انتخاب شده است.

(1) Achievement Motivation

### ۱-۶- تعیین حجم نمونه

در این تحقیق حجم نمونه با توجه به جدول دی ای دواس (نسبت  $p$  به  $q$  که با توجه به تحقیقات قبلی ۷۰ به ۳۰ گرفته شد، درجه دقت = ۵ درصد و سطح اطمینان = ۹۵ درصد) تعداد ۳۳۳ نفر به دست آمد.

### ۲-۶- روش‌ها و آماره‌های تحلیل آماری استفاده شده در این تحقیق

در این مطالعه اغلب آماره‌های آمار توصیفی مرتبط با موضوع استفاده شده است. نظیر محاسبه درصدها، نسبت‌ها، فراوانی‌های مطلق، نسبی، تجمعی، نمودارهای قطاعی، هیستوگرام، چند ضلعی و... همچنین آماره‌های آمار استنباطی مرتبط با موضوع داده‌های تحت مطالعه در سطوح سنجش متفاوت اسمی، رتبه‌ای، فاصله‌ای و نسبی از قبیل کای اسکوئر،  $V$  کرامر،  $Tb$  گودمن، گاما، لامبدا و ضریب همبستگی پیرسون  $r$  هر کدام در سطوح سنجش مخصوص به خود و همچنین آنالیز واریانس، رگرسیون چندمتغیری، تحلیل مسیر، تحلیل عامل، محاسبه ضریب تعیین مدل و سایر آماره‌های موجود، که تمامی موارد یاد شده در تحقیق اصلی منعکس است.

### ۳-۶- روایی و اعتبار تحقیق<sup>(۱)</sup>

در این جا برای ممانعت از تداخل معنا که در ترجمه دو کلمه *Validity & Reliability* در ایران بین مترجمین وجود دارد از شکل لاتین این دو کلمه استفاده می‌کنیم.

#### ● *Validity* تحقیق

**الف - بررسی *Face Validity*:** در این تحقیق بیشتر پرسش‌های پرسشنامه توسط اینگلهارت طراحی و تنظیم شده است و از آن جایی که این تحقیق حالت مقایسه‌ای دارد بیشتر این پرسش‌ها که با ساختار فرهنگی جامعه ما متناقض نبوده عیناً ترجمه و تنظیم شده‌اند مانند گویه‌های

مربوط به ارزش‌های مادی و فرامادی، ارزش‌های خودابزاری / بقا و ارزش‌های سنتی / عقلانی - سکولار و سایر پرسش‌های پرسشنامه. از آنجایی که این پرسش‌ها از سال ۱۹۷۰ میلادی پیوسته تحقیق و بازمی‌سنجی شده و اشخاص صاحب‌نظری چون آبراهامسون (همکار اینگلهارت)، ون دات و دیگر منتقدان درباره آن به بحث و مذاقه پرداخته‌اند، به نظر می‌رسد این پرسش‌ها از نظر Face Validity مشکلی نداشته و به تعبیری Valid باشند. سایر پرسش‌ها که در این پرسشنامه اضافه شده‌اند عبارتند از: پرسش‌های مربوط به بردباری اجتماعی (اقتباس از تحقیق دکتر چلبی درباره بررسی نظام شخصیت ایران) و پرسش‌های بومی شده پرسشنامه اینگلهارت مانند: به جای استفاده از گویه «میزان پذیرش همجنس‌بازی»، از گویه «میزان پذیرش روابط جنسی نامشروع» استفاده شد و سایر گویه‌ها که مربوط به متغیرهای پس‌زمینه اجتماعی پاسخگویان بود (مانند: سن، جنس و...) بازمی‌سنجی و پس از آزمون مقدماتی<sup>(۱)</sup> اصلاح شد.

ب - بررسی اعتبار سازه<sup>(۲)</sup>: این روش دو نوع عمده دارد: الف - اعتبار همگرا<sup>(۳)</sup>: بیانگر رابطه ملاک‌های مختلف نسبت به یکدیگر، یا بیانگر ارتباط سازه با متغیرهای موردگمانه است. ب - اعتبار افتراقی (واگرا)<sup>(۴)</sup>: بیانگر فقدان روابط با دیگر متغیرهایی است که در گمانه بی‌ارتباط تلقی شده‌اند (چلبی. جزوه کلاسی. ۱۳۸۰).

در این تحقیق برای سنجش اعتبار دو متغیر مهم تحقیق (ارزش‌های خودابزاری / بقا و ارزش‌های سنتی / عقلانی - سکولار) از روش‌های اعتبار سازه استفاده شد. بدین صورت که: گویه‌های مربوط به این دو متغیر از پیش توسط اینگلهارت با استفاده از روش تحلیل عاملی از همدیگر منفک شده بودند و پیش‌بینی می‌شد که در تحقیق حاضر این گویه‌ها در همین ابعاد قرار گیرند. به همین دلیل برای گویه‌ها، تحلیل عاملی صورت گرفت و همان‌طوری که در فصل چهارم تحقیق آمده بیشتر گویه‌ها در ابعاد ارزشی مدنظر جای گرفتند که قدرت تبیین این تحلیل عاملی با  $KMO = 0/78$  نشان‌دهنده بالا بودن قدرت تبیین تحلیل عاملی به دست آمده است.

(1) Pretest

(2) Construct Validity

(3) Convergent Validity

(4) Discriminant Validity

حال اگر در این عامل‌ها و بارهای عاملی دقت کنیم هر یک از بارهای عاملی که بر روی عامل‌ها بار شده‌اند بیشترین همبستگی را با عامل خود دارند (همان‌گونه که قبلاً پیش‌بینی می‌شد)، که این نشان‌دهندهٔ بالا بودن اعتبار همگرایی این گویه‌هاست. همچنین اگر میزان همبستگی گویه‌های یک عامل مانند A را که می‌بایست بر روی آن عامل بار شده باشد را با میزان همبستگی همان گویه‌ها با عامل دیگری مانند B که این گویه‌ها روی آن عامل بار نشده‌اند، مقایسه کنیم متوجه می‌شویم که میزان همبستگی گویه‌های یک عامل مانند A خیلی بیشتر از میزان همبستگی همان گویه‌ها با عامل دیگری مانند B است (اعتبار افتراقی).

#### ۴-۶- محاسبه Reliability تحقیق

##### الف - محاسبه Reliability Item to Total گویه‌های مقیاس‌های تحقیق

طبق تعریف؛ اگر همبستگی بین نمرات آزمون‌هایی که خصیصهٔ واحدی را اندازه‌گیری می‌کنند بالا باشد، آزمون دارای Reliability است محاسبهٔ Reliability Item to Total یا پایداری درونی گویه به منظور سنجش قدرت گویه در سنجش مقیاس به کار می‌رود. در این‌جا به علت محدودیت مقاله از آوردن میزان پایداری درونی تک‌تک گویه‌ها خودداری می‌شود و به این گفته بسنده می‌کنیم که در این تحقیق همهٔ گویه‌ها (به جز یک گویهٔ مربوط به بردباری اجتماعی) دارای Reliability بالایی بودند.

##### ب - بررسی Reliability کل تحقیق

آلفای کرونباخ گویه‌هایی که در آن‌ها از طیف لیکرت استفاده شده برابر  $\alpha = 0/8930$  به دست آمده است.

آلفای کرونباخ کل پرسشنامه نیز برابر  $\alpha = 0/8480$  به دست آمده است که نشان می‌دهد هم گویه‌های طیف لیکرت و هم کل پرسشنامه از Reliability Coefficients بالایی برخوردار است و می‌توان گفت که وسیله اندازه‌گیری از دقت بالایی برخوردار است.

## ۷- تجزیه و تحلیل اطلاعات

### ۷-۱- یافته‌های توصیفی تحقیق

#### ۷-۱-۱- معرفی مشخصات پاسخگویان

در این تحقیق ۱۱/۸ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات فوق‌دیپلم، ۶۰/۲ درصد لیسانس و ۲۸ درصد نیز فوق‌لیسانس بودند. همچنین ۱۱/۵ درصد پاسخگویان متأهل و ۸۸/۵ درصد نیز مجرد بودند. ۳۹/۶ درصد پاسخگویان را مردان و ۶۰/۴ درصد آنان را زنان تشکیل می‌دادند.

#### ۷-۱-۲- یافته‌های توصیفی متغیرهای عمده تحقیق

##### ● فراوانی و درصد مادیون و فرامادیون

۴۹/۸ درصد از پاسخگویان دارای اولویت ارزشی مادی‌گرایانه و ۱۴/۱ درصد از آن‌ها دارای اولویت ارزشی فرامادی‌گرایانه و ۳۵/۱ درصد باقیمانده دارای اولویت ارزشی بین این دو (التقاطی) بودند.

براساس محاسبه اینگلهارت:  $\%۳۵/۷ = \%۴۹/۸ - \%۱۴/۱$

جوانان دانشجوی کشور ما دارای ارزش‌های مادی‌گرایانه هستند.

##### ● میزان امنیت سازنده (امنیت اقتصادی و جانی)

تفسیر یافته‌های زیر با توجه به درصد معتبر داده‌ها صورت می‌گیرد به این دلیل که ۳۰/۹ درصد از پاسخگویان، پاسخ ناقصی به گویه‌های برآوردکننده امنیت سازنده داده‌اند و به همین علت در محاسبه دخالت داده نشده‌اند. ۳۳/۵ درصد از پاسخگویان دارای میزان امنیت سازنده کم و خیلی کم هستند و ۲۵/۶ درصد از آن‌ها از میزان امنیت سازنده زیاد و خیلی زیاد برخوردارند و ۴۰/۹ درصد بقیه در امنیت سازنده متوسطی به سر می‌برند. فرمول محاسبه میزان امنیت سازنده براساس نظریه اینگلهارت چنین بوده است:

+ (رتبه شغلی پدر در سن ۱۰ تا ۱۵ سالگی پاسخگو) × ۲ = امنیت سازنده

۴ / (تحصیلات مادر + تحصیلات پدر)

### ● میزان احساس امنیت شغلی

۲۳/۷ درصد از پاسخگویان از احساس امنیت شغلی بالایی برخوردارند و ۳۵/۲ درصد از پاسخگویان دارای احساس امنیت شغلی پایین هستند. اگر بخواهیم میزان احساس امنیت شغلی را محاسبه کنیم، احساس عدم امنیت در بین پاسخگویان بیشتر مشخص می‌شود:

$$۲۳/۷ - ۳۵/۲ = -۱۱/۵$$

میانگین ۲/۸۰۹۷ نیز نشان‌دهنده پایین بودن احساس امنیت شغلی از حد متوسط است.

### ● میزان احساس امنیت وجودی

احساس امنیت وجودی بالا از مهم‌ترین نشانگان فرهنگی هر جامعه به‌شمار می‌آید که مسیر زندگی افراد را پیش‌بینی‌پذیر می‌سازد. در این مطالعه، ۶۰/۹ درصد افراد دارای احساس امنیت وجودی پایینی هستند (۶۰/۹ = ۳۹/۹ + ۲۱/۰)، در حالی که ۶ درصد از پاسخگویان از امنیت وجودی بالایی برخوردارند و این ارقام نشان‌دهنده این است که میزان امنیت وجودی در بین دانشجویان بسیار پایین است. قابل توجه این‌که هیچ‌کدام از دانشجویان احساس امنیت بسیار بالایی را ابراز نکرده‌اند.

میدان تغییرات این متغیر بین ۵-۱ است که یک به معنای امنیت وجودی خیلی کم و پنج به معنای امنیت وجودی خیلی زیاد به‌شمار می‌رود. میانگین ۲/۱۸۳۵ است.

### ● میزان احساس امنیت اجتماعی

این متغیر از مجموع شش گویه (بعد از هم‌نوکردن گویه‌ها) به‌دست آمد؛ امنیت وجودی دو گویه، امنیت شغلی یک گویه و امنیت سازنده سه گویه). نتایج بدین گونه بوده است: ۲۷/۶ درصد از پاسخگویان، احساس امنیت اجتماعی پایینی دارند و ۲۴ درصد از آنان از امنیت اجتماعی بالایی برخوردارند. میانگین احساس امنیت اجتماعی پایین‌تر از حد متوسط (میانگین = ۲/۸۲) است.

### ● میزان احساس خوشبختی

۴۵/۳ درصد از پاسخگویان میزان احساس خوشبختی خود را بالا ارزیابی کرده‌اند و فقط ۱۲ درصد از آنان خود را خوشبخت نمی‌دانند. میانگین احساس خوشبختی (۳/۴۱۰۹) در بین پاسخگویان بالاتر از حد متوسط (۳) است.

### ● میزان احساس سلامت بودن

در پرسشنامه از پاسخگویان پرسیده شده است «به طور کلی سلامت خود را در حال حاضر چگونه توصیف می‌کنید؟»  $74/7$  درصد از پاسخگویان سلامت خود را خوب تا خیلی خوب ارزیابی کرده‌اند و فقط  $4/2$  درصد از آنان آن را بد تا خیلی بد توصیف کرده‌اند. میانگین میزان احساس سلامتی پاسخگویان بیشتر از حد متوسط ( $3/94$ ) است.

### ● میزان احساس رضایت اجتماعی

این متغیر از مجموع چهار گویه رضایت کلی از زندگی، رضایت از وضعیت مالی، رضایت از افراد جامعه و رضایت از دولت و مسئولان، به دست آمد. نتایج آن بدین صورت بوده است:  $38/4$  درصد از پاسخگویان دارای میزان احساس رضایت اجتماعی پایینی هستند و  $13/2$  درصد از آنان از میزان احساس رضایت اجتماعی بالایی برخوردارند. میانگین رضایت اجتماعی افراد نیز پایین تر از حد متوسط ( $2/64$ ) است.

### ● میزان احساس سعادت ذهنی

مطابق الگوی اینگلهارت، این متغیر این‌گونه محاسبه شد:

احساس سلامتی + میزان رضایت اجتماعی + میزان احساس خوشبختی = احساس سعادت ذهنی  
یافته‌ها نشان می‌دهد  $40/2$  درصد از پاسخگویان ( $1/5 + 38/7$ ) از میزان احساس سعادت ذهنی بالایی برخوردارند و فقط  $7/8$  درصد از آن‌ها احساس سعادت ذهنی پایینی دارند. میانگین احساس سعادت ذهنی بالاتر از حد متوسط ( $3/33$ ) است.

### ● میزان اعتماد بین شخصی

$8/8$  درصد از پاسخگویان معتقدند که مردم جامعه ما قابل اعتمادند و این در حالی است که  $54$  درصد از آنان معتقدند که نمی‌توان در زندگی روزانه به مردم اعتماد داشت و این نشان‌دهنده این است که  $54$  درصد مردم ما به یکدیگر اعتماد ندارند. میانگین اعتماد بین شخصی نیز بسیار پایین تر از حد متوسط و مقدار آن  $1/4545$  است.

### ● میزان مذهبی بودن افراد

$29/9$  درصد از پاسخگویان خود را یک فرد مذهبی تا بسیار مذهبی ارزیابی کرده بودند که



این رقم برابر با کسانی است که خود را یک فرد غیر مذهبی تا اصلاً مذهبی (۲۸/۲ درصد) می‌دانستند. میانگین میزان مذهبی بودن افراد نیز در حد متوسطی (۲/۹۱) است. این ارقام نشان‌دهنده این است که پاسخگویان ما از بُعد مذهبی در حد متوسطی قرار دارند.

#### ● میزان علاقه به سیاست

این متغیر از دو گویه «میزان علاقه به سیاست و میزان بحث سیاسی» به دست آمد. نتایج حاکی از این است که ۲۱/۹ درصد از پاسخگویان دارای علاقه زیادی به سیاست و ۸/۴ درصد از پاسخگویان دارای علاقه کم به سیاست و اکثر افراد (۶۸/۲ درصد) دارای علاقه متوسط به سیاست بوده‌اند. میانگین علاقه به سیاست (۳/۲۶۹۷) بالاتر از حد متوسط است.

#### ● میزان بردباری

میزان بردباری از چهار گویه‌ای که میزان بردباری یا نابدباری افراد را بررسی می‌کند، به دست آمد. نتایج حاکی از این است که اکثر افراد از بردباری برخوردارند، بدین صورت که ۵۴/۹ درصد از پاسخگویان دارای بردباری بالا و ۹/۳ درصد از آنان نابدبار هستند. میانگین بردباری بالاتر از حد متوسط و برابر ۳/۴۹ است.

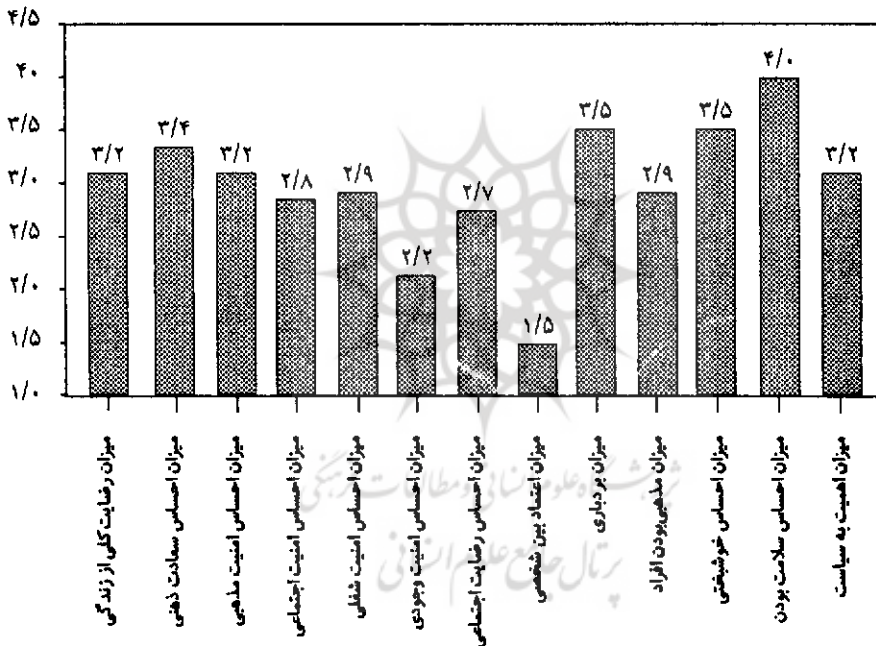
جدول ۲: میانگین برخی از متغیرهای اصلی تحقیق

	N (Valid)	Mean
میزان احساس امنیت شغلی	۳۳۱	۲/۸۰۹۷
میزان احساس امنیت وجودی	۳۲۷	۲/۱۸۳۵
میزان احساس امنیت اجتماعی	۳۲۱	۲/۸۲۳۵
میزان احساس امنیت مذهبی	۳۳۰	۳/۱۸۴۸
میزان احساس خوشبختی	۳۳۱	۳/۴۱۰۹
میزان احساس سلامت بودن	۳۳۲	۳/۹۴۸۸
میزان احساس رضایت اجتماعی	۳۲۶	۲/۶۴۱۱
میزان احساس سعادت ذهنی	۳۲۴	۳/۳۳۹۵
میزان اعتماد بین شخصی	۳۳۰	۱/۴۵۴۵
میزان رضایت کلی از زندگی	۳۲۸	۳/۱۴۰۲

ادامه جدول ۲:

	N (Valid)	Mean
میزان مذهبی بودن افراد	۳۲۹	۲/۹۱۴۹
میزان اهمیت به سیاست	۳۳۰	۳/۲۶۹۷
میزان بردباری	۳۲۸	۳/۴۹۳۹

شکل ۳: هیستوگرام میانگین برخی از متغیرهای اصلی تحقیق



#### ۸- بررسی فرضیه‌های تحقیق

در این بخش به بررسی فرضیه‌های مطرح شده و رابطه‌های پیش‌بینی شده در تحقیق می‌پردازیم. لازم به توضیح است که برخی از متغیرها با توجه به منظور فرضیه و در نظر گرفتن متغیرهای فرضیه، به دو صورت وارد محاسبه‌ها شده‌اند، یک‌بار در سطح اسمی و ترتیبی، و بار دیگر در سطح سنجش فاصله‌ای و نسبی. در هر سطح سنجش نیز از آماره‌های استنباطی مخصوص به خود استفاده شده است.

جدول ۳: همبستگی بین متغیرها

ردیف	متغیرهای مستقل	ارزش‌های مادی و فرامادی	ردیف	متغیرهای مستقل	ارزش‌های مادی و فرامادی
۱	احساس امنیت اجتماعی	۰۰/۴۲	۱۰	میزان احساس خوشبختی	۰۰/۲۶
۲	احساس امنیت شغلی	۰۰/۴۸	۱۱	رضایت اجتماعی	۰۰/۳۸
۳	امنیت سازنده	۰۰/۲۳	۱۲	وابستگی مذهبی	۰۰/۳۶
۴	پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین	۰۰/۵۲	۱۳	مشروعیت دموکراسی حاکمه	۰۰/۱۰
۵	احساس امنیت وجودی	۰۰/۴۲	۱۴	میزان پردباری	۰/۰۱
۶	ارزش‌های سنتی / عقلانی - سکولار	۰۰/۸۵	۱۵	اعتماد بین شخصی	۰۰/۲۴
۷	میزان اعتماد اجتماعی	۰۰/۴۷	۱۶	انگیزه پیشرفت	۰۰/۳۴
۸	ارزش‌های خودابرازی / بقا	۰۰/۲۸	۱۷	احساس سعادت ذهنی	۰۰/۱۸
۹	قوم‌مداری	۰۰/۱۵			

## این فرضیه‌ها در سطح معناداری ۰/۹۹ پذیرفته شده‌اند.

● بین احساس امنیت اجتماعی و ارزش‌های مادی و فرامادی رابطه وجود دارد  
میزان ضریب همبستگی مرتبه صفر این دو متغیر ۰/۳۲ است که نشان‌دهنده همبستگی مثبت احساس امنیت اجتماعی با ارزش‌های مادی و فرامادی افراد است. به عبارت دیگر، هرچه میزان احساس امنیت افراد افزایش می‌یابد افراد از سوی اولویت به ارزش‌های مادی به سوی اولویت به ارزش‌های فرامادی حرکت می‌کنند؛ یعنی احساس امنیت اجتماعی بالا موجب روی‌آوری افراد به ارزش‌های فرامادی می‌شود. این نتیجه با ۹۹٪ اطمینان قابل تعمیم به جامعه آماری است.

● بین احساس امنیت شغلی و ارزش‌های مادی و فرامادی رابطه وجود دارد  
مقدار  $Gama = ۰/۴۸۷$  نشان‌دهنده این است که احساس امنیت شغلی بر روی ارزش‌های مادی و فرامادی افراد تأثیر مثبت و متوسطی دارد؛ یعنی با افزایش میزان احساس امنیت شغلی افراد، آنان بیشتر تمایل دارند ارزش‌های فرامادی را در اولویت قرار دهند. این رابطه معنادار است و با ۹۹٪ اطمینان قابل تعمیم به جامعه آماری است.

● امنیت سازنده (اقتصادی و جانی) و ارزش‌های مادی و فرامادی

در این رابطه گاما برابر ( $Gama = ۰/۲۳$ ) است. براساس نظریه اینگلهارت و تئوری‌های مربوط به جامعه‌پذیری و تئوری مازلو، انتظار می‌رود با بالا رفتن امنیت سازنده، افراد ارزش‌های فرامادی را در اولویت قرار دهند. در این پژوهش اگرچه رابطه معناداری بین امنیت سازنده و اولویت به ارزش‌های مادی و فرامادی وجود دارد، شدت این رابطه پایین است و نشان‌دهنده این است که با بالاتر رفتن احساس امنیت سازنده افراد، افراد فرامادی‌گراتر می‌شوند.

● رابطه پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین فرد و ارزش‌های مادی و فرامادی پاسخگویان

رابطه متوسط و مثبتی ( $r = ۰/۵۱۹$ ) بین این دو متغیر وجود دارد. یعنی با افزایش پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین فرد، افراد فرامادی‌گراتر می‌شوند.

● رابطه میزان احساس امنیت وجودی با ارزش‌های مادی و فرامادی افراد

بین این دو متغیر رابطه متوسط و مثبتی ( $r = ۰/۴۲۵$ ) وجود دارد. به طوری که با بالا رفتن میزان احساس امنیت وجودی افراد، آن‌ها ارزش‌های فرامادی را در اولویت قرار می‌دهند. این رابطه با اطمینان  $۰/۹۹$  پذیرفته شده و قابل تعمیم به جامعه آماری است.

● بررسی رابطه ارزش‌های سنتی / عقلانی - سکولار و ارزش‌های خودابرازی / بقا با

ارزش‌های مادی و فرامادی افراد

ضریب همبستگی بین این متغیرها نشان می‌دهد که ارزش‌های سنتی / عقلانی - سکولار، همبستگی مثبت و بالایی ( $r = ۰/۸۵۴$ ) با ارزش‌های مادی و فرامادی دارد. به عبارت دیگر هرچه افراد از سوی ارزش‌های سنتی به سوی ارزش‌های عقلانی - سکولار حرکت می‌کنند ارزش‌های آنان از سوی ارزش‌های مادی به سوی ارزش‌های فرامادی سوق پیدا می‌کند. این رابطه معنادار است و با  $۰/۹۹$  درصد اطمینان می‌توان به جامعه آماری تعمیم داد.

همچنین بین ارزش‌های خودابرازی / بقا و ارزش‌های مادی و فرامادی افراد نیز رابطه مثبت،

ضعیف ( $r = ۰/۲۸$ ) و معناداری وجود دارد. که تفسیر آن همانند تفسیر فوق است.

از دیگر موارد قابل تعمق در جدول ۳، همبستگی بین دو متغیر مستقل تحقیق یعنی

ارزش‌های سنتی / عقلانی - سکولار و ارزش‌های خودابرازی / بقا است. همان‌طور که می‌بینیم

هیچ رابطه‌ای بین این دو متغیر وجود ندارد این عامل‌ها با استفاده از منطق تحلیل عاملی با  $(KMO = ۰/۹۰)$  به دست آمده است و بین این دو عامل هیچ همبستگی دیده نمی‌شود.

#### ● بررسی رابطه میزان اعتماد اجتماعی و ارزش‌های مادی و فرامادی

میزان ضریب همبستگی بین این دو متغیر در حدود  $۰/۴۸$  به دست آمده که نشان‌دهنده رابطه مثبت و متوسطی بین میزان اعتماد اجتماعی و ارزش‌های مادی و فرامادی است. به عبارت دیگر با بالا رفتن میزان اعتماد اجتماعی افراد در جامعه، ارزش‌های آنان از سوی ارزش‌های مادی به سوی ارزش‌های فرامادی تغییر می‌کند. این رابطه معنادار است و با اطمینان  $۰/۹۹$  می‌توان آن را به جامعه آماری تعمیم داد.

#### ● بررسی رابطه میزان احساس خوشبختی و ارزش‌های مادی و فرامادی

مقدار محاسبه شده گاما  $(Gama = ۰/۲۶)$  نشان می‌دهد، رابطه مثبت و معناداری بین این دو متغیر وجود دارد. اگرچه شدت این رابطه ضعیف است، آزمون معناداری کای اسکوئر و همچنین آلفای گاما نشان می‌دهد این نتیجه را می‌توان با  $۰/۹۹$  اطمینان به جامعه آماری تعمیم داد یعنی با افزایش میزان خوشبختی افراد، آنان فرامادی‌تر می‌شوند.

#### ● بررسی رابطه میزان احساس رضایت اجتماعی و ارزش‌های مادی و فرامادی

ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر فوق نشان می‌دهد که رابطه متوسط و منفی بین میزان احساس رضایت اجتماعی و ارزش‌های مادی و فرامادی وجود دارد  $(r = ۰/۳۸)$ . به طوری که با افزایش میزان رضایت افراد، آن‌ها بیشتر تمایل به ارزش‌های فرامادی دارند تا مادی.  $Sign$  برآورد شده  $(Sign = ۰۰۰)$  نشان‌دهنده معنادار بودن این رابطه است که آن را با اطمینان  $۰/۹۹$  می‌توان به جامعه آماری تعمیم داد.

#### ● بررسی رابطه میزان احساس سعادت ذهنی و ارزش‌های مادی و فرامادی

همبستگی مثبت و ضعیفی  $(Gama = ۰/۲۵۶)$  بین احساس سعادت ذهنی و ارزش‌های مادی و فرامادی افراد وجود دارد و نشان‌دهنده این است که با افزایش احساس سعادت ذهنی افراد، آنان ارزش‌های فرامادی را در اولویت قرار می‌دهند تا مادی را. از آنجایی که این رابطه معنادار است پس می‌توان با اطمینان  $۰/۹۹$  نتیجه را به جامعه آماری تعمیم داد.

### ● بررسی رابطه میزان وابستگی مذهبی و ارزش‌های مادی و فرامادی

براساس نظریه اینگلههارت، از آن‌جا که وابستگی مذهبی در طبقه‌بندی ارزش‌های سنتی جای می‌گیرد باید با عدول از این ارزش‌ها، ارزش‌های فرامادی اصل شوند براساس همین طبقه‌بندی انتظار می‌رود با افزایش میزان وابستگی مذهبی در افراد آنان به ارزش‌های مادی روی آورند.

ضریب همبستگی محاسبه شده بین این دو متغیر ( $r = -0/376$ ) همین ادعا را اثبات می‌کند. به عبارت دیگر رابطه منفی و متوسطی بین میزان وابستگی مذهبی و ارزش‌های مادی و فرامادی وجود دارد که با افزایش میزان وابستگی مذهبی از میزان اولویت‌دهی به ارزش‌های فرامادی کاسته می‌شود. این رابطه با  $0/99$  اطمینان قبول شده است.

### ● بررسی رابطه میزان مشروعیت (ثبات) دموکراسی حاکمه و ارزش‌های مادی و فرامادی

شاخص میزان مشروعیت و ثبات دموکراسی حاکمه از متغیرهای میزان رضایت از دولت و مسئولان، میزان اعتماد به دولت، ارزیابی کار دولت، میزان رضایت از نحوه بسط دموکراسی در کشور و دگرگونی یا حمایت از وضعیت موجود جامعه تشکیل شده است. بررسی رابطه بین میزان مشروعیت و ثبات دموکراسی حاکمه و ارزش‌های مادی و فرامادی نشان می‌دهد که رابطه مثبت و پایینی ( $r = 0/107$ ) بین این دو متغیر وجود دارد. به عبارت دیگر هنگامی که فرد از مجموع متغیرهای نامبرده نمره بالایی کسب می‌کند (موافقت و در جهت مثبت)، وی ارزش‌های فرامادی را در اولویت قرار می‌دهد؛ از این‌رو این نتیجه معنادار است و با اطمینان  $0/99$  می‌توان آن را به جامعه آماری نسبت داد.

### ● بررسی رابطه میزان بردباری و ارزش‌های مادی و فرامادی

هیچ رابطه‌ای بین میزان بردباری افراد و ارزش‌های مادی و فرامادی وجود ندارد ( $r = 0/01$ ). به عبارت دیگر با کاهش یا افزایش میزان بردباری، تغییری در ارزش‌های مادی و فرامادی افراد رخ نمی‌دهد. بنابراین فرضیه اصلی رد و فرضیه صفر پذیرفته می‌شود.

### ● بررسی رابطه اعتماد بین شخصی و ارزش‌های مادی و فرامادی

همان‌طور که گامای محاسبه شده ( $Gama = 0/24$ ) در جدول ۳، نشان می‌دهد هرچه افراد جامعه دیگران را قابل اعتمادتر بدانند، بیشتر به ارزش‌های فرامادی‌تر روی می‌آورند. این رابطه با  $0/002$  (Sign) پذیرفته و فرضیه صفر رد می‌شود.

### ● بررسی رابطه انگیزه پیشرفت و ارزش‌های مادی و فرامادی

همان‌طور که در جدول ۳، ملاحظه می‌کنیم همبستگی متوسط و منفی بین این متغیر وجود دارد ( $r = -0/34$ ). در ترکیب مقیاس انگیزه پیشرفت، به نظر می‌رسد که اگر تمایل افراد به آموزش مواردی نظیر قدرت تصمیم‌گیری و سختکوشی به فرزندان بیشتر باشد و در این آموزش، ایمان مذهبی و اطاعت دارای اولویت نباشد، ارزش‌های این افراد بیشتر مادی‌گرا است. این دیدگاه در تأیید نظریه اینگلهارت است که می‌گوید: هرچه افراد به رشد و توسعه و پیشرفت فکر کنند و بقا برایشان نقش اساسی را بازی کند آن‌ها بیشتر تمایل دارند ارزش‌های مادی را در اولویت قرار دهند و بالعکس.

### ● بررسی رابطه قوم‌مداری<sup>(۱)</sup> و ارزش‌های مادی و فرامادی

در جدول ۳، می‌بینیم که رابطه منفی و معناداری بین قوم‌مرکزی و ارزش‌های مادی و فرامادی وجود دارد، گرچه شدت این رابطه ضعیف است. همان‌طور که اینگلهارت می‌گوید: در جامعه‌ای که بقا امری بدیهی نیست و تغییر و تحول به سختی پذیرفته می‌شود و افراد فرهنگ‌های متفاوت و مختلف را تجربه نکرده‌اند، به افراد خارجی و افراد بیگانه به مثابه کسی که ممکن است به فرد آسیب برساند نگرسته می‌شود به‌خصوص در جامعه‌ای که اعتماد بین شخصی بسیار پایین باشد.

### ۹- محاسبه معادله رگرسیونی تحقیق و برآورد قدرت تبیین مدل

در این جا با استفاده از رگرسیون چند متغیری به تهیه و تفسیر معادله خط ارزش‌های مادی و فرامادی می‌پردازیم.

### ۹-۱- محاسبه معادله رگرسیونی غیراستاندارد و تفسیر آن

$0/354 +$  (ارزش‌های سنتی / عقلانی - سکولار)  $1/382 +$   $3/932 Y$  (ارزش‌های مادی و فرامادی)  
 $e +$  (میزان وابستگی مذهبی)  $0/40 -$  (احساس امنیت وجودی)  $0/124 +$  (ارزش‌های خودابرازی / بقا)  
معادله فوق نشان می‌دهد اگر هیچ ارزش عقلانی سکولاری و ارزش‌های خودابرازی / بقا،

(1) Ethnocentrism

احساس امنیت وجودی و میزان وابستگی مذهبی وجود نداشته باشد، به طور متوسط میزان ارزش‌های فرامادی افراد ۳/۹۳ است و از آن‌جا که دامنه ارزش‌های مادی و فرامادی بین صفر تا پنج است و هرچه از صفر به سمت پنج پیش می‌رویم فرامادی بودن افراد افزایش می‌یابد، این عدد (۳/۹۳) نشان می‌دهد افراد به طور متوسط با ثابت فرض کردن سایر متغیرها، فرامادی‌گرا هستند ولی با وارد کردن اثر این متغیرها بر ارزش‌های مادی و فرامادی افراد، آنان مادی‌گراتر می‌شوند.

b1 (۱/۳۸۲)، نشان می‌دهد با ثابت در نظر گرفتن اثر سایر متغیرها، به ازای یک واحد تغییر در ارزش‌های سنتی / عقلانی - سکولار مقدار (۱/۳۸۲) واحد در ارزش‌های فرامادی تغییر حاصل می‌شود.

b2 (۰/۳۵۴)، نشان می‌دهد با ثابت در نظر گرفتن اثر سایر متغیرها، به ازای یک واحد تغییر در ارزش‌های خودابرازی / بقا، مقدار ۰/۳۵ واحد در ارزش‌های فرامادی تغییر حاصل می‌شود.

b3 (۰/۱۲۴)، نشان می‌دهد با ثابت در نظر گرفتن اثر سایر متغیرها، به ازای یک واحد تغییر در احساس امنیت وجودی، مقدار ۰/۱۲۴ واحد در ارزش‌های فرامادی تغییر حاصل می‌شود.

b4 (۰/۰۴)، نشان می‌دهد با ثابت در نظر گرفتن اثر سایر متغیرها، به ازای یک واحد تغییر در میزان وابستگی مذهبی، مقدار ۰/۰۴ واحد در ارزش‌های فرامادی تغییر حاصل می‌شود.

## ۹-۲- محاسبه معادله رگرسیونی استاندارد شده

ارزش‌های (۰/۲۳۴) + (ارزش‌های سنتی / عقلانی - سکولار)  $Z = ۰/۹۰$  (ارزش‌های مادی و فرامادی) (میزان وابستگی مذهبی)  $۰/۱۵$  - (احساس امنیت وجودی)  $۰/۱۳۲$  + (خودابرازی / بقا

معادله فوق نشان می‌دهد که اگر اثر سایر متغیرها ثابت باشند (مانند ارزش‌های خودابرازی / بقا، احساس امنیت وجودی و میزان وابستگی مذهبی) به طور متوسط به ازای یک واحد انحراف معیار یا تغییر در ارزش‌های عقلانی سکولار، به مقدار ۰/۹۰ در ارزش‌های فرامادی افزایش حاصل می‌شود. به تعبیر دیگر این عدد نشان می‌دهد اثر ارزش‌های عقلانی سکولار بر روی فرامادی شدن افراد بیشتر از سایر عوامل است.

اگر اثر سایر متغیرها ثابت باشد (مانند امنیت وجودی، ارزش‌های عقلانی سکولار و میزان وابستگی مذهبی) به طور متوسط به ازای یک واحد انحراف معیار یا تغییر در ارزش‌های خودابرازی / بقا، به مقدار ۰/۲۳۴ در ارزش‌های فرامادی افزایش حاصل می‌شود.



اگر اثر سایر متغیرها ثابت باشد (مانند ارزش‌های خودابرازی / بقا، میزان وابستگی مذهبی و ارزش‌های عقلانی سکولار) به‌طور متوسط به ازای یک واحد انحراف معیار یا تغییر در احساس امنیت وجودی، به مقدار  $0/132$  در ارزش‌های فرامادی افزایش حاصل می‌شود.

اگر اثر سایر متغیرها ثابت باشند (مانند ارزش‌های خودابرازی / بقا، احساس امنیت وجودی و ارزش‌های عقلانی سکولار) به‌طور متوسط به ازای یک واحد انحراف معیار یا تغییر در میزان وابستگی مذهبی، به مقدار  $0/15$  در ارزش‌های فرامادی کاهش حاصل می‌شود.

### ۳-۹- قدرت تبیین مدل

در مدل برآورد شده  $R^2 = 0/743$  نشان می‌دهد  $0/74$  درصد از تغییرات ارزش‌های مادی و فرامادی توسط این چهار عامل تبیین می‌شود.

### ۱۰- بررسی نتایج مقایسه یافته‌های تجربی تحقیق (در ایران در بین دانشجویان) با یافته‌های تجربی تحقیقات اینگلهارت در سایر کشورها

در این جا به مقایسه برخی از نشانگان فرهنگی این تحقیق با کشورهای دیگر که توسط اینگلهارت جمع‌آوری شده است، می‌پردازیم. در برخی از مقایسه‌ها به علت این‌که داده‌های معدودی از کشورها (مثلاً داده‌های بیست کشور) در دسترس بودند به ناچار مقایسه با همین تعداد صورت گرفت و در جاهایی که چند کشور آسیایی نیز وجود داشت (در بین داده‌های ۴۳ کشور) مقایسه بهتری انجام گرفت، البته در این نوشتار تنها به ذکر چند کشور بسنده می‌شود.

#### ● مقایسه درصد مادیون و فرامادیون

همان‌طور که در جدول ۴، ملاحظه می‌کنیم تعداد افراد فرامادی در ترکیه  $11/6$  درصد (جمع ستون‌های فرامادی و خیلی فرامادی) و در بین دانشجویان ایران  $14/3$  درصد است. درصد افراد مادی در چین  $57$  درصد و در هند  $46/1$  درصد که این رقم برای دانشجویان ایرانی برابر با  $50/3$  درصد (جمع ستون‌های خیلی مادی و مادی) است. نتیجه تحقیق حاضر، بیش از هر کشور در آسیا به یافته‌های موجود در هند و چین و در خاورمیانه به ترکیه نزدیک‌تر است.

جدول ۴: درصد مادیون و فرامادیون مردم چند کشور جهان و مقایسه آن با ایران

جامعه	خیلی مادی	مادی	التقاطی مادی	التقاطی فرامادی	فرامادی	خیلی فرامادی
امریکا	۹/۵	۳۰/۵	۳۰/۱	۱۷/۶	۹/۳	۳
فرانسه	۶/۳	۲۰/۱	۲۹	۲۶/۴	۱۲/۴	۵/۸
آلمان غربی	۶/۷	۲۴/۱	۲۴/۶	۲۱/۱	۱۲/۴	۷
فنلاند	۱/۴	۱۰/۱	۲۹/۷	۳۴/۹	۱۸/۲	۵/۶
ژاپن	۴/۷	۲۳/۵	۳۹/۱	۲۴	۷/۶	۱/۱
چین	۱۶	۴۱	۳۵/۵	۶/۵	۱	۰/۱
هند	۱۳/۱	۳۳	۳۸	۱۳/۴	۱/۹	۰/۵
ترکیه	۶/۲	۲۰/۳	۳۹/۴	۲۲/۶	۸/۵	۳/۱
ایران	۲۳/۶	۲۶/۷	۲۷/۶	۷/۹	۶/۴	۷/۹

Abramson & Inglehart. 1995. 125

● مقایسه درصد فرامادیون، در اهداف شغلی متفاوت بین هشت کشور اروپایی و ایران همان‌طور که در جدول ۵، ملاحظه می‌کنیم اولین اولویت فرامادی در این هشت کشور اروپای غربی احساس موفقیت در کار است (= ۱۸) ولی در تحقیق حاضر اولین اولویت فرامادیون در بین اهداف یاد شده، دریافت دستمزد خوب به‌شمار می‌رود که این امر می‌تواند بیانگر تفاوت فرهنگی بین ملت‌ها باشد.

جدول ۵: درصد فرامادیون، با اهداف شغلی در هشت جامعه اروپای غربی

۱۹۷۳ و ایران ۲۰۰۲

مهم‌ترین هدف انتخاب شده	آلمان غربی	بریتانیا	هلند	فرانسه	بلژیک	ایتالیا	دانمارک	ایرلند	میانگین ایران
حقوق خوب	۳	۴	۴	۶	۸	۶	۴	۶	۲۳
شغل مطمئن	۴	۶	۸	۹	۱۰	۴	۸	۴	۸
کار با افراد مورد علاقه	۱۳	۹	۱۷	۱۹	۲۱	۱۳	۱۷	۸	۳
احساس موفقیت در کار	۲۱	۱۴	۱۸	۲۰	۲۱	۱۶	۱۸	۱۴	۱۱
نمونه کلی	۹	۸	۱۲	۱۳	۱۴	۹	۱۲	۸	۱۴

Abramson & Inglehart. 1994. 346

### ● مقایسه چند متغیر فرهنگی

همان‌طور که از مقایسه متغیرهای فرهنگی بین کشورها برمی‌آید در بخش ارزش‌های فرامادی، هند با ارزش‌های فرامادی ۱۳، بیش از هر کشور دیگر به کشور ما نزدیک‌تر است. در متغیر اعتماد بین شخصی، ترکیه با ۱۰ درصد اعتماد همانند ایران است. در میزان و درصد حمایت از انقلاب، کشور ایران با کشور لیتوانی و شهر مسکو مشابهت دارد که این دو کشور در بین همه کشورهای بیشترین حمایت را از این متغیر ابراز داشته‌اند (به ترتیب با ۳۲ درصد و ۳۳ درصد حمایت). در درصد حمایت از اصلاحات جامعه، ترکیه بیش از هر کشور دیگر به ایران نزدیک‌تر است (با ۶۲ درصد حمایت). در میان این کشورها، کشور ترکیه و هند بیشترین قرابت را از نظر متغیرهای فرهنگی با ایران دارد. البته در صورت موجود بودن متغیرهای فرهنگی دیگر کشورهای آسیایی، این شباهت با کشورهای آسیایی دیگر بیشتر بود. به‌طور کلی کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته در متغیرهای ارزش‌های فرامادی و اعتماد بین شخصی نمره کمتری را نسبت به کشورهای توسعه‌یافته به‌دست آورده‌اند.

جدول ۶: مقایسه چند متغیر فرهنگی در بین چند کشور جهان و ایران

کشور	ارزش‌های فرامادی	اعتماد بین شخصی	درصد حمایت از انقلاب (دگرگونی)	درصد حمایت از اصلاحات
امریکا	۲۲	۵۰	۷	۷۶
آلمان	۲۵	۳۸	۲	۶۶
فرانسه	۲۷	۲۳	۴	۷۴
فنلاند	۳۳	۶۳	۳	۸۸
مسکو	۱۵	۳۴	۳۳	۴۱
لیتوانی	۱۶	۳۱	۳۲	۵۹
ژاپن	۲۵	۴۲	۲	۷۷
هند	۱۳	۳۴	۱۱	۷۲
چین	۷	۶۰	۷	۶۸
ترکیه	۲۲	۱۰	۱۴	۶۱
ایران	۱۴	۱۰	۳۲	۶۲

## ● نتایج سایر مقایسه‌ها

در برخی از نشانگان فرهنگی، نشانگان فرهنگی کشور ما با آن‌ها هماهنگ است. یعنی با افزایش یا کاهش آن در سایر کشورها در کشور ما نیز این نشانگان کاهش یا افزایش می‌یابد. برای مثال اطمینان مردم به کلیسا (یا مسجد در تحقیق ما)، کشور ایران با کشورهای آفریقای جنوبی (۵۶ درصد)، مکزیک (۴۶ درصد) و آمریکا (۴۷ درصد) هماهنگ است. این مقدار در کشور ما (۴۶/۸ درصد) است یعنی افراد اطمینان زیادی را به مسجد ابراز کرده بودند. در بین این کشورها ژاپن با کمترین اطمینان (در حدود ۳ درصد) و آفریقای جنوبی با بیشترین اطمینان به کلیسا (۵۶ درصد) دیده می‌شود. سایر کشورهای اروپایی نیز در حد پایینی قرار دارند (بین ۵ تا ۲۰ درصد). درباره عشق و احترام به والدین، درصد کسانی که معتقد بودند باید به والدین خود عشق و احترام ورزید، کشور ایران (۸۶/۶ درصد) با کشورهای آفریقای جنوبی (۸۶ درصد)، مجارستان و ایرلند جنوبی (با ۸۱ درصد) هماهنگ است. در بالاترین حد، کشور کره جنوبی بیش از ۹۰ درصد و در پایین‌ترین حد، کشور بریتانیا در حدود ۳۰ درصد را نشان می‌دهد. سایر کشورها بین ۷۰ درصد تا ۸۰ درصد را نشان می‌دهند.

درصد کسانی که می‌گویند کلیسا (در تحقیق ما «دین» به جای کلیسا در پرسشنامه به کار رفته است) تا حد زیادی نیازهای معنوی آن‌ها را پاسخ می‌دهد و قانع می‌سازد، کشور ما با کمترین میزان (۲۴/۴ درصد) در پایین‌ترین حد، در بین بیست کشور قابل مقایسه قرار دارد. در این میان کشور ژاپن با ۴۵ درصد و کشور مجارستان با ۹۰ درصد، در سال ۱۹۹۰ میلادی ابراز کرده بودند که کلیسا به نیازهای معنوی آن‌ها تا حد زیادی پاسخ می‌دهد.

درصد کسانی که می‌گویند کلیسا (در تحقیق ما «دین») تا حد زیادی مسائل زندگی خانوادگی آن‌ها را پاسخ می‌دهد و قانع می‌سازد، کشور ما با (۲۷/۱ درصد) با کشور فرانسه (۲۸ درصد) در سال ۱۹۹۰ میلادی هماهنگ است. ۱۸ درصد مردم کشور سوئد و ۷۰ درصد مردم کشور آمریکا و مجارستان گفته‌اند که کلیسا تا حد زیادی مسائل زندگی خانوادگی آن‌ها را پاسخ می‌دهد و قانع می‌سازد که به ترتیب سوئد در پایین‌ترین حد و آمریکا در بالاترین حد قرار دارند.

درصد کسانی که می‌گویند کلیسا (در تحقیق ما «دین») تا حد زیادی به مسائل اخلاقی آن‌ها پاسخ می‌دهد و قانع می‌سازد، مردم کشور ما با ۱۸/۸ درصد در پایین‌ترین حد، در بین این بیست کشور قرار دارد که بعد از کشور ماکشور سوئد با ۲۰ درصد قرار گرفته است. کشور مجارستان با ۸۰ درصد در بالاترین رتبه قرار دارد. به‌طور تقریبی سایر کشورها بین ۳۵ تا ۶۰ درصد قرار دارند. درصد کسانی که از دین نیرو و آرامش می‌گیرند، در کشور ما برابر ۵۷ درصد است که در این باره کشور ما به کشورهای اسپانیا (۵۷ درصد) و مجارستان (۵۰ درصد) در سال ۱۹۹۰ میلادی نزدیک‌تر است. در بین این بیست کشور، کشور سوئد با کمترین درصد (حدود ۳۰ درصد) و کشور آفریقای جنوبی با ۹۰ درصد، قرار دارند.

بررسی درصد کسانی که به بهشت اعتقاد دارند در تمامی کشورها نسبت به اعتقاد به جهنم بیشتر است. در تحقیق موردنظر، اعتقاد به بهشت و جهنم در یک جمله از پاسخگویان پرسیده شده است، که ۷۸ درصد به این دو مقوله اعتقاد زیادی نداشته‌اند. در بین سایر کشورها، مجارستان با ۲۸ درصد در پایین‌ترین حد اعتقاد به بهشت و ایرلند شمالی و جنوبی و آمریکا در بالاترین حد اعتقاد به بهشت قرار دارند. درباره اعتقاد به جهنم نیز آمریکا (۷۰ درصد) و ایرلند شمالی (۷۲ درصد) بیشترین درصد اعتقاد به جهنم و سوئد با کمترین درصد اعتقاد به جهنم (۶ درصد) قرار دارند.

درصد کسانی که به خدا اعتقاد دارند در اغلب کشورها بالاست. اما در این میان ایران با ۹۶/۴ درصد به همراه ایرلند شمالی و جنوبی (۹۸ درصد) و آفریقای جنوبی (۹۷ درصد) در بالاترین رتبه درصدها قرار دارند؛ کمترین درصد اعتقاد به خدا در سوئد با ۴۸ درصد است.

درباره میزان عدم پذیرش خودکشی، ۸۹ درصد پاسخگویان در تحقیق موردنظر، مخالف پذیرش خودکشی بودند که در مقایسه با بیست کشور دیگر در بالاترین رتبه از نظر عدم پذیرش خودکشی قرار دارد. کشور آرژانتین با فاصله کمی بعد از ایران قرار گرفته است. در میان این کشورها، فنلاند با کمترین درصد یعنی ۳۰ درصد افراد مخالف پذیرش خودکشی هستند. اغلب کشورها در عددی بین ۵۰ تا ۶۰ درصد قرار دارند.

درباره روابط جنسی نامشروع، در سایر کشورها از پاسخگویان پرسیده شده بود شما تا چه

حد می‌گویید «عشق‌بازی نامشروع زن و مرد ازدواج کرده هرگز مورد پذیرش نیست» که در تحقیق مورد نظر به علت حساسیت پاسخگویان در پاسخ دادن به این‌گونه پرسش‌ها، در قالبی متفاوت از آن‌ها پرسیده شد: «میزان پذیرش یا عدم پذیرش تجربه جنسی نامشروع را بر روی طیف ده قسمتی علامت بزنید». که این پرسش هم شامل همجنس‌بازان هم شامل مجردان و هم شامل متأهلان می‌شد. نتیجه آن‌که ۷۵ درصد افراد مخالف پذیرش روابط جنسی نامشروع بودند که در مقایسه با سایر کشورها ایرلند جنوبی چنین نتیجه‌ای را در عشق‌بازی زن و مرد ازدواج کرده به دست آورده است. سایر کشورها در حد پایینی از درصدها قرار دارند. فرانسه کمترین مخالفان با پذیرش عشق‌بازی زن و مرد ازدواج کرده را داراست.

درصد «میزان بحث سیاسی با دوستان» از دیگر مقولاتی است که در تحقیق مورد نظر و تحقیقات اینگلهارت اندازه‌گیری شده است. داده‌ها نشان از درصد بالای بحث سیاسی با دوستان در همه کشورها را دارد. ۸۴ درصد نمونه ما در ایران می‌گویند که اغلب با دوستان خود به بحث سیاسی می‌پردازند. این رقم در نروژ، کره جنوبی و آلمان غربی نزدیک به ۹۰ درصد است. ایران جزو کشورهایی است که مردم آن بیشترین بحث سیاسی را دارد. اسپانیا و بلژیک با ۵۰ درصد، از جمله کشورهایی هستند که مردم آن‌ها کمتر از سایر جوامع بحث سیاسی می‌کنند.

میزان علاقه به سیاست نیز گرچه به ظاهر همانند مضمون مقوله قبلی است ولی همان‌طور که خواهیم دید مردم با آن به گونه‌ای دیگر برخورد نموده‌اند. در ایران ۱۳/۶ درصد از نمونه اذعان داشته‌اند که به سیاست علاقه‌مندند که این میزان پایین‌ترین حد در میان سایر کشورهای قابل مقایسه است. نروژ، کره جنوبی و آلمان غربی با ۷۰ درصد، در بالاترین رتبه علاقه به سیاست قرار دارند. لازم به ذکر است که این کشورها در زمره همان کشورهای هستند که نمره بالایی را در اولویت به ارزش‌های فرامادی به دست آورده‌اند. این نتیجه با نتیجه قبلی (میزان بحث سیاسی) در این کشورها صدق می‌کند ولی درباره ایران موضوع کاملاً برعکس است. شاید تبیین منطقی این قضیه این باشد که درست است که پاسخگویان با دوستان خود زیاد به بحث سیاسی می‌پردازند اما این امر دلیل بر این نیست که آن‌ها حتماً به آن علاقه نیز دارند، شاید از روی اجبار یا ناخواسته و یا به علت وجود جریانات و موضوعات سیاسی زیاد در جامعه، وارد بحث

سیاسی می‌شوند. یافته‌های موجود بیانگر آن است که در سایر کشورها میزان علاقه به سیاست در حال افزایش است که این امر در ایران جهت عکس دارد.

از جمله مهم‌ترین متغیرهای بررسی شده در این نوشتار و تحقیقات اینگلهارت بررسی «میزان اعتماد بین شخصی»<sup>(۱)</sup> است. در این تحقیق، ۸/۸ درصد افراد اذعان داشته‌اند که اعتماد زیاد تا خیلی زیاد به مردم دیگر دارند که این رقم در مقایسه با درصد اعتماد بین شخصی سایر کشورها در پایین‌ترین حد قرار دارد. در بین سایر کشورها آرژانتین، مجارستان و فرانسه با ۲۵ درصد اعتماد بین شخصی در پایین‌ترین اعتماد در بین این بیست کشور قرار دارند (این رقم به ایران بسیار نزدیک است). نروژ، سوئد و فنلاند با ۶۵ و ۷۰ درصد اعتماد بین شخصی بالاترین اعتماد بین شخصی را دارند. مقایسه اعتماد بین شخصی در دو مقطع زمانی (۱۹۸۱ تا ۱۹۹۰ میلادی) بین این کشورها نشان می‌دهد که در مجموع اعتماد بین شخصی در بین کشورهای گروه اخیر رو به افزایش است.

میزان اطمینان به نیروهای پلیس نیز از جمله مقولاتی است که در این تحقیق مقایسه شده است. در ایران ۱۶/۲ درصد از افراد ابراز داشته‌اند که به نیروهای پلیس اطمینان زیاد تا خیلی زیادی دارند. در آرژانتین میزان این اطمینان ۴ درصد کمترین اعتماد و در ایرلند شمالی (۳۲ درصد) و ایرلند جنوبی (۳۴ درصد) بیشترین اعتماد را به نیروهای پلیس ابراز کرده بودند. براساس داده‌ها در اغلب جوامع، اطمینان به نیروهای پلیس پایین است و طبق یافته‌های اینگلهارت این میزان اطمینان طی سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۰ میلادی در کشورهای مطالعه شده کاهش نیز داشته است.

درصد کسانی که اغلب به معنا و مفهوم زندگی می‌اندیشند، در ایران ۶۷/۲ درصد است که در مقایسه با سایر کشورها در بالاترین حد قرار دارد. کشورهای آفریقای جنوبی و آرژانتین با ۵۲ درصد، در رتبه بعدی قرار می‌گیرند و کشورهای سوئد و ژاپن نیز با ۲۰ درصد افراد در پایین‌ترین حد قرار می‌گیرند. آنچه از یافته‌ها برمی‌آید ۲۱ کشور بررسی شده توسط اینگلهارت تحولی رو به افزایش درباره این مقوله دارند.

از پاسخگویان پرسش شده بود «خدا در زندگیتان چقدر مهم است» که ۹۰/۶ درصد پاسخگویان در تحقیق حاضر اذعان داشته بودند که خدا در زندگیشان بسیار مهم است. این رقم در مقایسه با سایر کشورهای جهان در بالاترین حد قرار می‌گیرد. بعد از ایران، آفریقای جنوبی با ۸۸ درصد و مکزیک با ۸۲ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. کشورهایی که اهمیت کمی به خدا در زندگیشان می‌دهند عبارتند از: سوئد ۱۹ (درصد)، ژاپن (۲۰ درصد) و نروژ (۲۶ درصد).

گرچه نمونه بررسی شده درباره اعتقادات دینی میزان درصد بالایی را نشان می‌دهند ولی در بعد انجام فرایض دینی، بیانگر درصد بسیار پایینی است. ۲۸/۸ درصد نمونه ما اذعان داشته‌اند که حداقل در ماه یک‌بار به مسجد می‌روند و این در حالی است که فقط ۲ درصد از آنان یک یا دو بار در روز به مسجد می‌روند و ۶۳ درصد آنان گفته‌اند که اصلاً نمازهای خود را در مسجد نمی‌خوانند. در بین سایر کشورهای جهان نروژ، سوئد، فنلاند و ایسلند با کمتر از ۱۵ درصد، در پایین‌ترین حد در این مقوله قرار دارند. از جمله کشورهایی که در بالاترین حد در این مقوله قرار داشته‌اند، کشورهای ایرلند شمالی با ۹۰ درصد و ایرلند جنوبی با ۷۰ درصد قرار گرفته‌اند. به‌طور کلی، تحول رو به پایین را در اغلب کشورهای مطالعه شده این مقوله ملاحظه می‌کنیم.

درباره میزان پذیرش طلاق، ۴۰/۹ درصد از افراد پاسخگو اذعان کرده بودند که این امر را نمی‌پذیرند. در میان سایر کشورها، ۵۰ درصد مردم آفریقای جنوبی آن را نمی‌پذیرند که در بالاترین حد و نزدیک به ایران در بین این کشورها قرار دارد و کشورهای ایسلند، فنلاند، سوئد، نیوزلند، آلمان غربی و چندین کشور اروپایی دیگر جزو کشورهایی هستند که مخالفت کمی با طلاق دارند. این امر در طی ده سال ۱۹۹۱ - ۱۹۹۰ میلادی با مخالفت کمتر با طلاق همراه بوده است و بیانگر پذیرفتن این مقوله به مثابه یکی از حقایق زندگی از سوی کشورهای مذکور است. البته نقش هنجارهای اجتماعی (ترس از توبیخ در کشورهای مخالف طلاق) و مشکلات ناشی از طلاق در کشورهای کمتر توسعه‌یافته تأثیر به‌سزایی در مخالفت بیشتر با طلاق دارد.



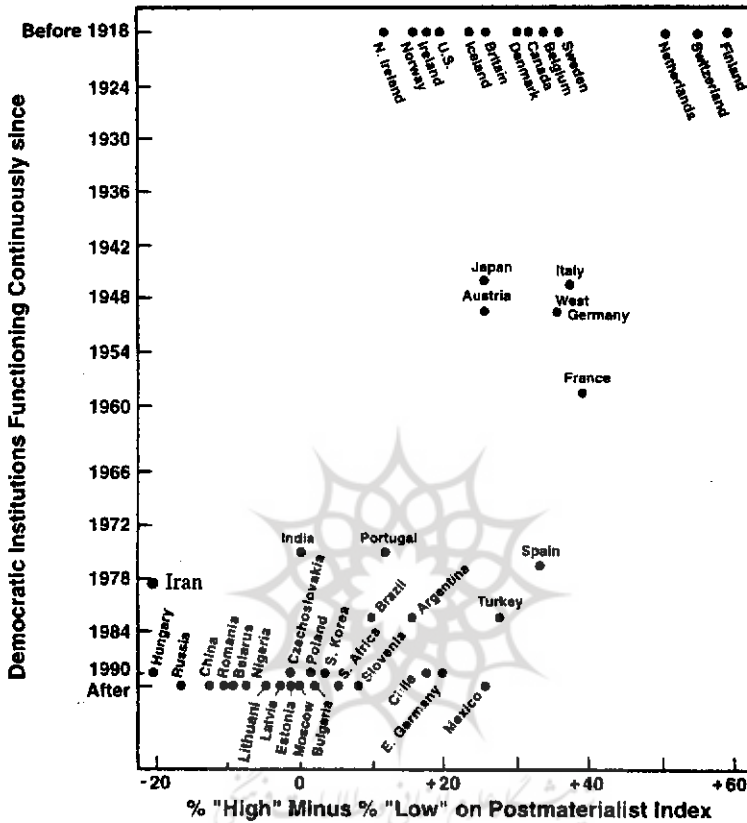
درصد کسانی که می‌گویند سقط جنین قابل پذیرش نیست در ایران برابر ۵۰/۸ درصد است که در کشورهای آفریقای جنوبی (۵۸ درصد) و ایرلند شمالی (۵۱ درصد) نسبت به سایر کشورها رقمی نزدیک به یافته‌های ایران به دست آمده است. کشورهای ایسلند (۱۰ درصد) و سوئد (۱۲ درصد) و نروژ (۱۳ درصد) جزو کشورهایی قرار دارند که کمترین تعداد مخالف با این امر را در خود دارند.

با بررسی رابطه مادیون و فرامادیون و میزان اهمیت خدا در زندگی به این نتیجه می‌رسیم که میزان اهمیت خدا در زندگی در نزد فرامادیون بسیار کمتر از مادیون است (این امر در یافته‌های اینگلهارت نیز ملاحظه می‌شود).

با بررسی رابطه مادیون و فرامادیون و میزان عدم پذیرش سقط جنین، به نتایجی همانند اینگلهارت رسیدیم. در این یافته‌ها می‌بینیم که مادیون بیشتر از فرامادیون مخالف سقط جنین هستند.

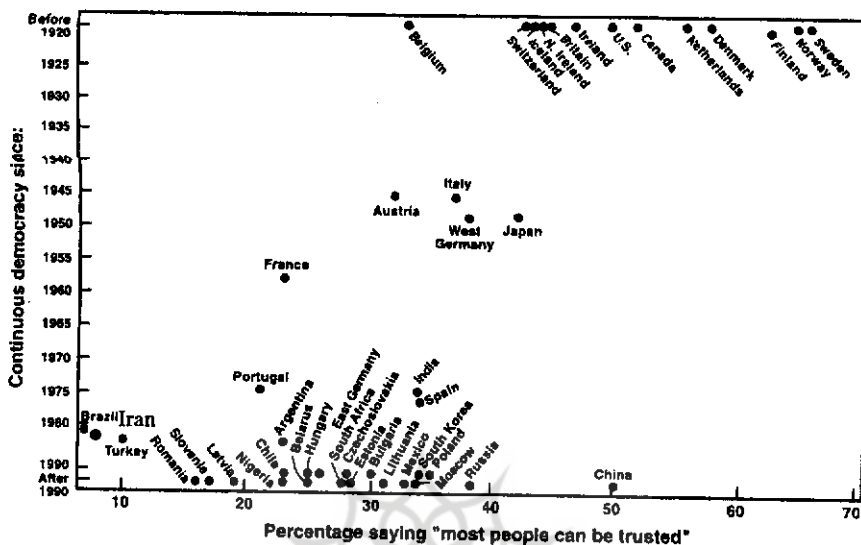
با بررسی رابطه مادیون و فرامادیون و روابط جنسی نامشروع نیز، به این نتیجه دست می‌یابیم که مادیون بیشتر از فرامادیون مخالف پذیرش تجربه جنسی نامشروع بودند. درباره مادیون و فرامادیون و درصد افرادی که مهاجران خارجی را به مثابه همسایه دوست ندارند، باید بگوییم هم در تحقیقات اینگلهارت و هم در این تحقیق ثابت شد که فرامادیون بیشتر از مادیون موافق پذیرش مهاجران خارجی به مثابه همسایه هستند و بالعکس.

همچنین درباره رابطه زمان تشکیل نهادهای دموکراتیک و درصد ارزش‌های فرامادی، خاطر نشان می‌شود در این تحقیق سال ۱۹۷۹ میلادی (یعنی پیروزی انقلاب اسلامی) مبنای تشکیل نهادهای دموکراتیک در ایران در نظر گرفته شده است. زیرا تا پیش از انقلاب اسلامی مشخصات اصلی دولت دموکراتیک در کشور ما وجود نداشت و با پیروزی انقلاب و انتخابات ریاست جمهوری (توسط مردم)، مردم‌سالاری حداقل در یکی از مشخصات دموکراسی ظهور یافت. همان‌طور که در شکل ۴، می‌بینیم، ایران در گوشه پایین سمت چپ شکل قرار می‌گیرد. جایی که کشورهای با مادی‌گرایی زیاد و کشورهای کمتر توسعه یافته قرار گرفته‌اند. کشورهایمانند مجارستان، چین، رومانی، نیجریه و ...



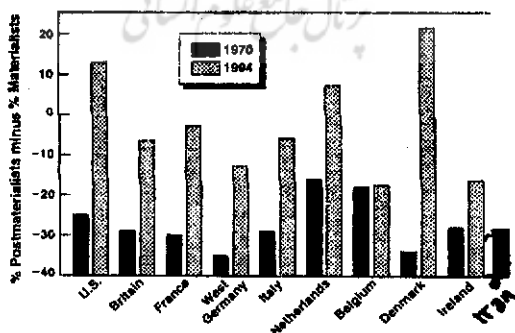
شکل ۴: ثبات دموکراسی و ارزش‌های مادی و فرامادی در سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ م. در ۴۳ کشور جهان (از سری یافته‌های اینگلهارت) و در ایران سال ۲۰۰۲ (از تحقیق حاضر) (منبع برای داده‌های ۴۳ کشور: اینگلهارت، ۱۹۹۷، ۲۱۴)

در شکل ۵، دو متغیر اعتماد بین شخصی و سال پایداری دموکراسی با یکدیگر در رابطه گذاشته شده‌اند. با توجه به این‌که میزان اعتماد بین شخصی در ایران ۸۸ درصد به دست آمده و سال پایداری دموکراسی در کشور ایران را ۱۹۷۹ میلادی در نظر گرفته شده است، کشور ما در متتالیه سمت چپ پایین در کنار کشورهای برزیل و ترکیه قرار می‌گیرد.



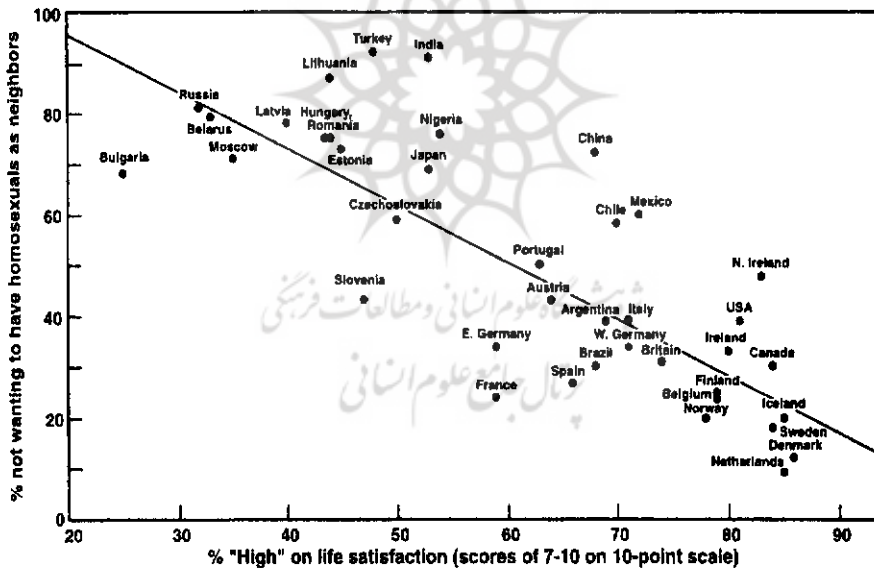
شکل ۵: ثبات دموکراسی و اعتماد بین شخصی در ۴۳ کشور جهان و ایران  
 ثبات دموکراسی: تعداد سال‌هایی که در کشوری معین نهادهای دموکراتیک تداوم داشته‌اند.  
 (منبع برای داده‌های ۴۳ کشور: اینگلهارت، ۱۹۹۷، ۱۷۴)

شکل ۶، میزان مادی‌گرایی را در ایران در مقایسه با سایر کشورها نشان می‌دهد که کشورهای دانمارک و آلمان غربی در سال ۱۹۷۰ میلادی وضعیتی همانند ایران در این متغیر داشتند.



شکل ۶: درصد فرامادیون منهای درصد مادیون در میان نه کشور غربی در سال ۱۹۷۰ و ۱۹۹۴ م.  
 و در ایران در سال ۲۰۰۲ م. (منبع برای داده‌های ۴۳ کشور: اینگلهارت، ۱۹۹۷، ۱۴۰).

موقعیت ایران در شکل ۷، نشان می‌دهد که این کشور در بین کشورهای در حال توسعه و یا کمتر توسعه یافته قرار دارد. هر دو بعد این نمودار را نشانگان فرهنگی تشکیل می‌دهند که محور افقی را رضایت از زندگی و محور عمودی را درصد میزان عدم پذیرش افراد با رابطه جنسی نامشروع به مثابه همسایه، تشکیل می‌دهد. در این شکل، ایران در کنار کشورهای لیستوانی، مجارستان و سایر کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق در گوشه بالای سمت چپ این شکل قرار دارد که این کشورها از نظر اقتصادی جزو کشورهایی با رشد اقتصادی پایین هستند در حالی که کشورهایمانند دانمارک، سوئد، فنلاند، هلند، آلمان، نروژ، بلژیک و کانادا که از نظر اقتصادی توسعه یافته محسوب می‌شوند و دارای رشد اقتصادی بالایی هستند، در گوشه پایین سمت راست این شکل، در کنار هم قرار می‌گیرند.



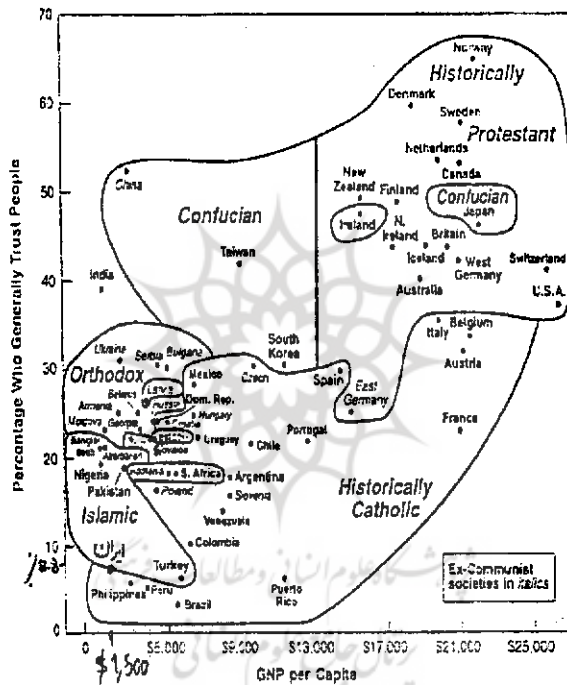
شکل ۷: ارتباط بین رضایت کلی از زندگی و پذیرش افراد با اعمال جنسی نامشروع

به مثابه همسایه در میان کشورهای جهان

$$r = -0.75 \quad \text{Significant at 0.000 level}$$

(منبع برای داده‌های ۴۳ کشور: اینگلهارت، ۱۹۹۷، ۸۷)

در نگاهی کلی، دو کشور از امریکای لاتین و ایران که جزو کشورهای در حال توسعه هستند و تقریباً در یک مرحله از توسعه گام برمی‌دارند در برخورد با نشانگان فرهنگی - دینی مشابهی عکس‌العمل مشابهی نشان می‌دهند. این امر درباره کشورهای توسعه‌یافته‌ای چون ژاپن، سوئد و نروژ که آن‌ها با یکدیگر نشانگان فرهنگی مشابهی دارند نیز صادق است.



شکل ۸: جایگاه ۶۵ جامعه بر روی ابعاد اعتماد بین شخصی و رشد اقتصادی برحسب شرایط فرهنگی مذهبی. توجه: مقدار GNP به وسیله بانک جهانی در سال ۱۹۹۵ م. برحسب دلار محاسبه شده است.  $R = 0.60$  ( $P < 0.001$ ) اعتماد با GNP در ارتباط است (منبع برای داده‌های ۶۵ کشور: اینگلهارت، ۲۰۰۰، ۳۶).

در شکل ۸، نیز جایگاه ۶۵ کشور جهان بر روی محور اعتماد بین شخصی (محور افقی) و میزان رشد اقتصادی GNP (محور عمودی) برحسب شرایط فرهنگی مذهبی نشان داده شده

است. در این شکل، یافته‌های تحقیق در ایران در گوشه پایین سمت چپ جدول (با ۸/۸ درصد اعتماد بین شخصی و ۱/۵۰۰ دلار میزان رشد اقتصادی GNP)، در کنار کشورهای اسلامی مانند ترکیه، پاکستان، نیجریه، بنگلادش و کشورهای غیرمسلمان ولی توسعه نیافته مانند پرو، فیلیپین، و برزیل قرار دارد. این شکل نشان می‌دهد که کشورهایی که از نظر دو مقوله اعتماد بین شخصی و میزان رشد اقتصادی دارای وضعیت مشابهی هستند، همان کشورهای هستند که از نظر شرایط فرهنگی - مذهبی نیز در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند.

### ۱۱- نتیجه گیری

جهان‌بینی‌های متداول که از جامعه‌ای به جامعه دیگر تفاوت می‌کنند بازتاب تجربه‌های متفاوت مردمان مختلف هستند. بنابراین ما تفاوت‌های پایدار اما نه غیرقابل تغییری را در میان ارزش‌ها، نگرش‌ها و عادات مردمان گوناگون می‌یابیم. آنچه‌آن‌که در تحقیقات اینگلهارت دیدیم تفاوت‌های مقطعی - ملی پایداری را در سطح رضایت کلی از زندگی، احساس خوشبختی، رضایت سیاسی، اعتماد به یکدیگر، و حمایت از نظم موجود نشان می‌دهند. این صفات بخشی از مجموعه نشانگان به هم مرتبطی هستند که در نتیجه آن برخی کشورها، پیوسته در همه آن‌ها در سطحی نسبتاً بالا و برخی دیگر در سطحی نسبتاً پایین قرار می‌گیرند. نمره‌های بالا یا پایین در این نشانگان نتایج مهمی در رفتار سیاسی و اجتماعی مردم داشته و دیدگاه آنان را از دموکراسی پایدار شکل می‌دهد.

بسیاری معتقدند با رشد و توسعه اقتصادی، نشانگان فرهنگی نیز تحول یافته و هماهنگ با یکدیگر در جهت توسعه گام برمی‌دارند. نظریه پردازان دیگری نیز وجود دارند که معتقدند ابتدا باید شاهد رشد در مقولات فرهنگی باشیم تا به رشد اقتصادی و توسعه تکنولوژی دست یابیم. اینگلهارت نظری بینابین و اعتقاد به درست بودن هر دو نظریه دارد. وی بر این ایده است که نوسازی اقتصادی حتماً به آزادی سیاسی نمی‌انجامد، اما اجتناب از آن را روز به روز مشکل‌تر می‌کند.

تأثیر نوسازی تکنولوژیکی با تحولات فرهنگی موازی که در جوامع غربی رخ می‌دهد،

بیشتر می‌شود. توسعه اقتصادی و پیدایی نهادهای رفاه اجتماعی موجبات احساس امنیت اقتصادی را فراهم می‌کند که آن نیز به نوبه خود به دگرگونی تدریجی از ارزش‌های مادی به فرامادی هم در میان نخبگان و هم توده‌های مردم می‌انجامد.

نتایج تحقیق حاضر و چگونگی پیوند علمی آن با نتایج تحقیقات اینگلهارت عبارت است از:

- **پاسخگویان مادی‌گرا بودند:** مهم‌ترین هدف این تحقیق بررسی مادی‌گرایی یا فرامادی‌گرایی ارزش‌های افراد مطالعه شده بود که به مثابه متغیر وابسته در مقایسه سایر نشانگان فرهنگی قرار گرفت. همان‌طور که در بخش یافته‌های تحقیق آورده شد، دانستیم که افراد پاسخگو در این تحقیق ارزش‌های مادی را در اولویت برتری نسبت به ارزش‌های فرامادی قرار می‌دهند که با توجه به فرضیه کمیابی اینگلهارت مبنی بر این‌که اولویت‌های فرد بازتاب محیط اقتصادی - اجتماعی وی است و با توجه به نظریه سلسله مراتبی مازلو مبنی بر این‌که شخص ابتدا درصدد رفع نیازهای اولیه (زیستی، فیزیولوژیک، ایمنی) است، و این‌که هرچه نیازهای اولیه شخص کمتر برآورده شود، وی بیشتر ارزش مادی‌گرایی دارد، نتیجه می‌گیریم که از آن‌جا که نیازهای اولیه افراد در زندگیشان بدیهی شمرده نشده است افراد دارای ارزش‌های مادی‌گرا هستند.

- **برخی از نشانگان فرهنگی در سطح پایینی قرار داشتند:** اصلی‌ترین نشانگان فرهنگی در این تحقیق، نمره پایینی را نشان می‌دهند. نشانگانی مانند اعتماد بین شخصی، اعتماد به مراکز و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی، احساس امنیت وجودی، امنیت شغلی، امنیت سازنده، امنیت اجتماعی و میزان رضایت اجتماعی در سطح پایینی از سوی پاسخگویان ارزیابی شده است. در بررسی فرضیات، کسانی که رضایت کم، امنیت کم (در تمام صور امنیت‌ها) و اعتماد کمی داشتند، دارای ارزش‌های مادی‌گرا بودند. که این یافته‌ها در تحقیقات اینگلهارت نیز نتایج مشابهی را نشان می‌دهند.

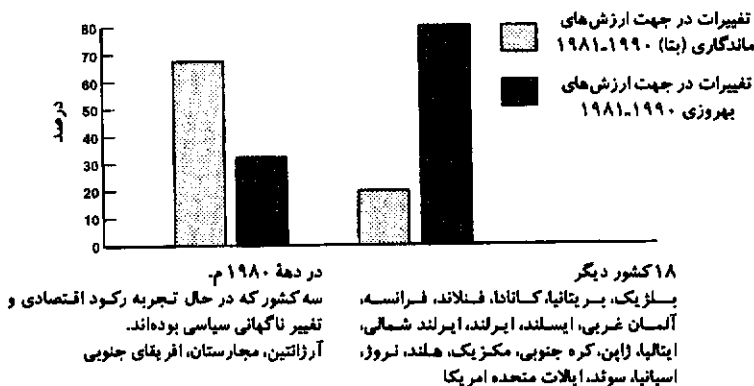
- **افراد مادی و فرامادی در تحقیق ما همانند افراد مادی و فرامادی در تحقیق اینگلهارت دارای اعتقادات مذهبی مشابهی بودند:** برای نمونه در هر دو تحقیق افراد مادی (در حدود ۷۵ درصد) اهمیت زیادی به خدا در زندگیشان می‌دهند و افراد فرامادی (در حدود ۵۰ درصد) اهمیت کمتری به خدا در زندگیشان می‌دهند. مشابه همین نتیجه، در هر دو تحقیق مادی‌گرایان تا

حد زیادی با پذیرش سقط جنین مخالفند (بین ۴۵ تا ۵۵ درصد)، در حالی که فرامادیون در حد بسیار کمی با پذیرش سقط جنین مخالفند (بین ۱۰ تا ۲۰ درصد). در هر دو تحقیق در حدود ۶۳ درصد مادیگرایان روابط جنسی نامشروع را قابل قبول نمی‌دانند، در حالی که فقط ۲۰ درصد از فرامادی‌گرایان می‌گویند که روابط جنسی نامشروع قابل پذیرش نیست. دربارهٔ عدم پذیرش مهاجران خارجی به عنوان همسایه، نیز مادیون و فرامادیون در هر دو تحقیق (تحقیق حاضر در مقایسه با تحقیق اینگلهارت) نظرات مشابهی را ابراز کرده بودند.

● **براساس نقشه‌های جهانی اینگلهارت یافته‌های تحقیق حاضر در کنار یافته‌های کشورهای توسعه نیافته (از نظر اقتصادی) قرار می‌گیرد:** اگر نگاهی به شکل‌های شماره ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸ در این مقاله بیندازیم متوجه می‌شویم که کشور ما در کنار کشورهایی مانند برزیل، آرژانتین، آفریقای جنوبی و... قرار می‌گیرد که کاهش رشد اقتصادی از مهم‌ترین مشخصات این کشورها است.

● **یافته‌های تحقیق حاضر با یافته‌های سه کشور آرژانتین، مجارستان، و آفریقای جنوبی همانند بود:** داده‌های کشورهای آرژانتین، مجارستان و آفریقای جنوبی در جهت عکس پیش‌بینی‌های اینگلهارت بودند (یعنی به‌سوی فرامادی‌گرایی پیش نمی‌روند بلکه بیشتر دارای ارزش‌های مادی‌گرا هستند)، همان نتیجه‌ای که در تحقیق حاضر دربارهٔ ایران به دست آوردیم. وی دربارهٔ سه کشور فوق این‌گونه استدلال می‌کند: «طبق پیش‌بینی، در اکثر کشورها اغلب گویه‌ها در جهت پیش‌بینی شده قرار داشتند. اما در دو کشور، اکثریت متغیرها در جهت دیگری قرار گرفته بودند. در هر دو کشور آرژانتین و آفریقای جنوبی، کلاً ۷۸ درصد از گویه‌ها در جهت خلاف پیش‌بینی مدل تغییر بین نسلی تحول یافته بودند. و در مجارستان تنها نصف گویه‌های ارزشی در جهت پیش‌بینی شده بودند». این جدایی موردها از فرضیه‌ای که می‌گوید تحول ارزشی با شرایط امنیت مرتبط است، حمایت می‌کند. برای هر سه این کشورها، کاهش شدید اقتصادی و سیاست ناپایدار در طول سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۰ م. تجربه شده بود. تأثیرات قدرتمند کوتاه‌مدت، تأثیرات تغییرات بین نسلی را خنثی می‌کند. در ۱۸ کشور باقی‌مانده نزدیک به ۸۰ درصد از تحول مشاهده شده در جهت پیش‌بینی شده حرکت کرده بود.





شکل ۹: امنیت و عدم امنیت و تغییر فرهنگی (اینگلهارت، ۱۹۹۷: ۳۳۳)

شکل ۹، کل یافته‌های مرتبط با تغییر فرهنگی را تشریح می‌کند. همان‌طور که می‌بینیم در سه جامعه‌ای که رکود اقتصادی و ناپایدار سیاسی را در طول دهه ۱۹۸۰ میلادی تجربه کرده‌اند، اغلب این متغیرها با تأکید زیادی بر روی ارزش‌های بقا در جهت عکس قطب‌های پست مدرن (فرامادی) قرار گرفته‌اند.

این سه کشور استثنا بودند. در ۱۸ جامعه‌ای که کم و بیش شرایط عادی را در دهه ۱۹۸۰ میلادی تجربه کرده بودند، این متغیرها در قطب فرامادی قرار گرفته بودند. به عبارت دیگر تحت شرایط ناامنیتی، تحول فرهنگی قابل پیش‌بینی و سازگاری (هماهنگی) دیگری، در جهت مشخص دیگری یافتیم. تحت شرایط افزایش امنیت، به نسلی هماهنگ فرامادی و تحت شرایط ناامنی، به نسل هماهنگ مادی رسیدیم (اینگلهارت، ۱۹۹۷: ۳۳۴-۳۳۱).

حال اگر به تحقیق خود برگردیم و به مقایسه‌های خود دقت کنیم، می‌بینیم که ایران در اکثر نشانگان فرهنگی با یک یا دو کشور از این کشورهای مطالعه شده هماهنگ است. در مواردی مانند عشق و احترام به والدین و سایر ارزش‌های سنتی، اطمینان به کلیسا (مسجد)، نیرو و آرامش از دین، اعتقاد به خدا و سایر ارزش‌های مذهبی و سایر نشانگان فرهنگی بیشتر تا کشورهای کمتر توسعه یافته هماهنگ است.

## پی‌نوشت

۱- مطالعه تطبیقی بین فرهنگ‌ی نشانگان فرهنگی با بیش از ۴۳ کشور جهان.

## منابع و مأخذ

### الف - فارسی

- آرون. ریمون (۱۳۷۲). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*. ترجمه باقر پرهام. تهران. انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- اینگلهارت. رونالد و همکاران (۱۳۷۸). «امنیت اقتصادی و دگرگونی ارزشی». ترجمه شهناز شفیع‌خانی. نامه پژوهش. تهران. ش ۱۴ و ۱۵.
- اینگلهارت. رونالد (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*. ترجمه مریم وتو. تهران. انتشارات کویر.
- اینگلهارت. رونالد (۱۳۷۷). «نوسازی و پسانوسازی». ترجمه علی مرتضویان. *ارغنون*. تهران. ش ۱۳.
- بیرو. آلن (۱۳۷۵). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه باقر ساروخانی. تهران. انتشارات کیهان.
- بهمن‌پور. ثریا (۱۳۷۸). «رابطه نشانگان فرهنگی بر بردباری اجتماعی». پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد. تهران. دانشگاه شهید بهشتی.
- تریاندیس. هری. س. (۱۳۷۸). *فرهنگ و رفتار اجتماعی*. ترجمه نصرت فتی. تهران. انتشارات نشر رسانش. چ ۱.
- توسلی. غلامعباس (۱۳۷۱). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران. انتشارات سمت. چ ۳.
- توکلی. مهناز (۱۳۷۸). «بررسی نظام ارزش‌های دو نسل دختران (نسل انقلاب) و مادران». پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد. تهران. دانشگاه آزاد اسلامی.
- تیموری. کاوه (۱۳۷۷). «بررسی و مقایسه نظام ارزش‌های پسران و پدران و عوامل مؤثر بر آن در شهر تهران». پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد. تهران. دانشگاه علامه طباطبایی.
- چلبی. مسعود (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم*. تهران. انتشارات نشر نی. چ ۱.
- چلبی. مسعود (۱۳۸۱). *بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران*. تهران. انتشارات پژوهش فرهنگی، هنر و ارتباطات.

- خالقی فر. مجید (۱۳۷۷). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر نگرش به جنگ». پایان‌نامه کارشناسی. دانشگاه تبریز.
- روشه. گی (۱۳۷۰). کنش اجتماعی. ترجمه هما زنجانی‌زاده. تهران. انتشارات آستان قدس رضوی.
- روشه. گی (۱۳۷۲). تغییرات اجتماعی. ترجمه منصور وثوقی. تهران. انتشارات نشر نی. چ ۴.
- ریترز. جورج (۱۳۷۷). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران. انتشارات علمی. چ ۳.
- رفیع‌پور. فرامرز (۱۳۷۶). توسعه و تضاد. تهران. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- رفیع‌پور. فرامرز (۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی. تهران. انتشارات سروش. چ ۱.
- رفیع‌پور. فرامرز (۱۳۷۸). آناتومی جامعه. تهران. انتشارات شرکت سهامی انتشار. چ ۱.
- رضایی اردستانی. محمدحسین (۱۳۷۳). بررسی نظام ارزش‌های اجتماعی جوانان تهران بزرگ. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد. تهران. دانشگاه تربیت مدرس.
- سرمد. زهره و دیگران (۱۳۷۸). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران. انتشارات آگه.
- چ ۲
- شولتس. دوآن (۱۳۶۹). روانشناسی کمال. ترجمه گیتی خوشدل. تهران. نشر نو. چ ۵.
- علیزاده اقدم. محمدباقر (۱۳۸۰). «عوامل مؤثر بر سؤگیری ارزشی دانشجویان». پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز.
- فرامرزی. داوود (۱۳۷۹). «بررسی ساختار و اولویت‌های ارزشی دانشجویان». پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد. تهران. دانشگاه تربیت مدرس.
- قاضی طباطبایی. محمود (۱۳۷۴). تکنیک‌های خاص تحقیق. انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
- گیدنز. آنتونی (۱۳۷۷). پی‌آمدهای مدرنیت. ترجمه محسن ثلاثی. تهران. انتشارات نشر مرکز. چ ۱.
- گیدنز. آنتونی (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص. ترجمه ناصر موفقیان. تهران. نشر نی. چ ۱.
- محسنی. منوچهر (۱۳۷۵). بررسی نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران. اداره کل دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی. تهران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نیک‌گهر. عبدالحسین (۱۳۷۳). مبانی جامعه‌شناسی. تهران. انتشارات رایزن. چ ۴.

ب - انگلیسی

- Abramson. Paul and Ronald Inglehart (1995). *Value change in Global Perspective*. The University of Michigan.
- Boltken. Ferdinand & Wolfgang Jagodzinski (1985). *In An Environment of insecurity: Postmaterialism in the European community, 1970 to 1980*. Comparative Political Societies, 17.
- Braith Wite N. A. & Law, H. G. (1985). *Structure of human value: Testing Adeoqacy of the Rokeach Value Survey, Journal of Personality and Social Psychology, 49*.
- Feather. N. T. (1984). "Values in Education and Society". *Journal of Personality and social Psychology*. Vol.46. No.159.
- Inglehart. Ronald (1971). *The Silent Revolution in Europe: Intergenerational Change in Post-Industrial Societies*. American Political Science Review. Vol.65.
- Inglehart. Ronald (2000). *Modernization, Cultural, Change, and the Persistence of Traditional Values*. American Sociological Review. Vol.65.
- Inglehart. Ronald (1997). *Modernization and Postmodernization: Cultural, Economic, and Political change in 43 Societies, PRINCETON University PRESS Newjersey*.
- Inglehart. Ronald and Paul Abramson (1994). *Economic Security and Value Change*. American Political Science Review. Vol.88. No.2.
- Kluckhohn. C. (1960). *Toward a General Theory of Action*. New York.
- Rokeach. Milton (1969). *The Religious Research*. Vol.2.
- Rokeach. Milton (1976). *Beliefs, Attitude and Values: a theory of Organization and change*. Sanfrancisco.
- Schwartz, S. H. & Sagiv, L. (1995). *Indentifying Cultural, Specificis in the Content and Structure of Values, Journal of Cross, Cultural Psychology*. Vol.26.
- Van Deth. Janw (1983). "The Persistence of Materialist and Post-Materialist Value Orientations". *European Journal of Political Research*. 11.